

سایه‌های خدا در زمین

نویسنده:

علی حسین امیری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

۴	مقدمه
۷	انقلاب
۱۵	اسلام و قرآن
۲۰	امر به معروف و نهی از منکر
۲۷	اقلیت‌های مذهبی
۳۳	رابطه با جوامع بین الملل
۴۳	وضعیت خرافات مذهبی
۴۷	مذهب ما
۴۹	از توهم تا حقیقت
۵۶	اجتهاد در برابر نص مجمع تشخیص مصلحت نظام
۵۸	حفظ حکومت به هر طریق
۶۰	دین نردبانی برای سیاست
۶۳	عملکرد نظام در این سی سال
۶۴	سخت‌گیری و آسان‌گیری
۶۵	امام سیزدهم و افزایش تعداد معصومین
۶۷	نقش ملت در ایجاد سایه‌های خدا

-
-
- ۷۰.....نقش رسانه‌ها (رادیو و تلویزیون)
- ۷۸.....ملاک حق در نظام جمهوری
- ۸۱.....جمع بندی
- ۸۳.....شعر
- ۸۴.....جمهوری قلابکی
- ۸۶.....سخنی با خواننده گرامی

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَّرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾ [الأحزاب: ٤٧].

«و گویند: ای خدا ما اطاعت امر بزرگان و پیشوایان خود را کردیم که ما را به راه ضلالت کشیدند».

تقلید و جهالت همه جا درد سر ماست	در هر طرفی فتنه و شر زیر سر ماست
آتش زدن پرچم و سر دادن فریاد	سر شاخ شدن با همه تنها هنر ماست
انگار که دستان خدا روی سر ماست	تا دست خدا روی سر ماست ذلیلیم
این دست خدا نیست اگر بود خلیلیم	دنباله‌رو و تابع شیطان رذیلیم
هر نطق شما مایه شر و ضرر ماست	انگار که دستان خدا روی سر ماست ^۱

مقدمه

سلام و درود بر پیامبر اسلام و خاندان پاکش و اصحاب وفادارش. بیشتر نوشته‌های اینجانب در مورد خرافات مذهبی بوده و جنبه دینی داشته است، ولی در این کتاب بیشتر جنبه سیاسی دارد، و دلیلش این است که در حکومت شیعیان صفوی و ولایت مطلقه فقیه که فعلاً در ایران حکومت می‌کند دین و سیاست یکی است، و چنانچه شما در مورد دین صحبتی بکنید آن را به سیاست نیز ربط می‌دهند و شما نمی‌توانید منکر آن شوید. مثلاً چنانچه بگوئید: امام زمانی در کار نیست در واقع خود به خود منکر ولی فقیه و نائب مهدی شده‌اید که رهبر این حکومت است. پس نمی‌توان در حکومت آخوندها تنها از دین گفت چون دین پایه و نردبانی شده برای سیاست ایشان، و چنانچه شما بخواهید این نردبان را بردارید تکلیف شما معلوم است.

نزدیک به ۱۴۰۰ سال از ظهور اسلام می‌گذرد و شیعیان بر این عقیده هستند که دارای مذهبی می‌باشند که از همان صدر اسلام وجود داشته است^۱، و چیز جدیدی نیست و دارای هیچگونه خرافات و بدعتی نمی‌باشد، بلکه بهترین راه برای هدایت انسانها و در واقع اسلام واقعی است، و بر این عقیده‌اند که طی این ۱۴۰۰ سال حکومت در دست ایشان نبوده و هر زمان به نوعی غضب شده است، و اگر حکومت به دست اهل بیت بود هم اکنون، وضعیت مسلمین طوری دیگر بود. البته حضرت علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام مدتی حکومت کرده‌اند ولی در مورد همانها نیز معتقد به ظلم علیه ایشان هستند، حضرت

۱- مثلاً می‌گویند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: «شیعة علی هم الفائزون» (پیرو علی رستگار است) در صورتیکه شیعه که به معنای پیرو آمده ربطی به ایجاد فرقه اثنی عشریه ندارد، و دادن صفات الهی و غلو در مورد ائمه و قبر سازی بدعت و شرک است، و تازه احادیث بسیار هستند که در آن به مسلم بودن و دین اسلام اشاره شده ولی آخوندها آنها را نمی‌بینند.

علی علیه السلام به مدت ۲۵ سال خانه نشین بوده و خلافت و حق الهی او توسط خلفا غصب شده بود و در ۵ سال حکومت خود نیز تحت ظلم و ستم مردم کوفه و دیگران بوده است، و حتی در همان زمان خلیفه بودن نیز تقیه می‌کرده است، و اینطور نبوده که کاملاً هر کاری بکند و امام حسن علیه السلام نیز همینگونه بوده و علت تمامی اینها هم فقط و فقط به خاطر کودتای سقیفه بنی ساعده است که توسط صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم صورت گرفت، و باعث شد که هیچ وقت حکومت به دست اهل بیت نیفتد و در واقع کودتای سقیفه باعث به قدرت رسیدن بنی امیه و بنی عباس و شهادت امام حسین و امام رضا و دیگر امامان شده که در نهایت نیز باعث غائب شدن مهدی صاحب الزمان شده است.^۲

ولی پس از ۱۴۰۰ سال بالاخره در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی در ایران، انقلابی صورت گرفت و نتیجه این انقلاب به قدرت رسیدن روحانیون و فقهای شیعه و نایبان امام زمان شد، و سرانجام آرزوی دیرینه شیعه مبنی بر داشتن حکومت و آوردن سایه‌های خدا به واقعیت پیوست، و همگی آنها نیز معتقد هستند که این حکومت تا ظهور آقا امام زمان پایدار خواهد ماند و امکان ندارد سقوط کند!!! چون خود امام زمان بر ایران ولایت تکوینی دارد!! و اینطور نیست که ما را به حال خود رها کرده باشد، چون ایران تبدیل به پایگاهی می‌شود برای قیام مهدی!!!.

۱- هر اشتباه و گناهی که از ابتدای خلقت آدم رخ داده است مسبب اصلی آنها از نظر شیعیان صفوی، عمر و ابوبکر هستند!!!.

۲- طبق آیات قرآن گذشتگان هر کاری کرده‌اند برای خودشان بوده و می‌بینید که ژاپن توسط بمب اتمی آمریکا با خاک یکسان شد ولی هم اکنون از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان است همینطور آلمان در جنگ جهانی، پس ای کاش ملت و مردمی بخواهند پیشرفت کنند و منحرف نشوند (حتی در دین) و نخواهند بهانه انحراف یا عقب افتادگی خود را به گردن ۱۴۰۰ سال قبل بگذارند، چون هر کس مسئول اعمال خودش است و کسی بار دیگری را به دوش نمی‌کشد.

ما می‌خواهیم در این مختصر نشان دهیم که ادعای شیعه^۱ مبنی بر داشتن حکومت بی‌اساس است، و چنانچه زمام امور مسلمین به دست ایشان باشد نمی‌تواند کاری صورت دهند و علاوه بر اینکه باعث هدایت و رشد انسانها نمی‌شوند تازه برعکس بیشتر باعث انحطاط و ترویج خرافات و بدعتها هستند، چون حکومت ایشان در این ۳۰ سال این موضوع را به خوبی نشان داده است (چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است) ولی ما باز برای روشن شدن عده‌ای از مردم خوش باور و بی‌اطلاع یک سری مطالب را بازگو می‌کنیم و به انتقاد پیرامون این تنها حکومت خدایی و سایه‌های خدا در زمین و دست خداوند بر سر ما و... می‌پردازیم، به راستی ویژگی‌های یک حکومت عادل چیست؟ خصوصیات رهبری اسلامی چیست؟ حقوق حکومت بر مردم و بالعکس چیست؟ وظیفه این رهبر و حکومت اسلامی نسبت به اسلام و مسلمین جهان چیست؟ وظیفه این حکومت در برابر دشمنان اسلام و مسلمین و بشریت چیست؟

شاید کمتر کسی به این مسائل فکر کند یا جوابی قانع کننده برای آنها داشته باشد، بلکه در ایران آنقدر مردم سرگرم مشکلات زندگی خود هستند که به این چیزها توجهی ندارند و البته همین رفع نکردن مایحتاج مردم نیز یکی از سیاست‌های این حکومت است تا مردم سرگرم مشکلات خود باشند و به فکر برکناری خائنان نیفتند و به قول رفسنجانی که به آقای بازرگان گفته بود: ما اشتباه شاه را تکرار نمی‌کنیم و به مردم آزادی نمی‌دهیم!!!

ما در اینجا به نقد و بررسی پاره‌ای از انحرافات این حکومت و جمهوری به اصطلاح اسلامی می‌پردازیم، و ابتدا هم از شکل‌گیری آن یعنی انقلاب سال ۵۷ شروع می‌کنیم.

۱- هر جا مطلبی در نکوهش شیعیان می‌آوریم در واقع منظورمان شیعیان صفوی، غالی و گمراه هستند نه شیعیان واقعی مکتب اهل بیت.

انقلاب

در اینجا سوالی را مطرح می‌کنیم که اصولاً انقلاب به چه معناست؟ و شما مردمی که به خیابان ریختید و شهید دادید و شعار دادید، می‌شود بفرمائید: معنای کلمه انقلاب چیست؟ حالا با بقیه جزئیات آن کاری نداریم و فقط می‌خواهیم بدانیم چند درصد مردم معنای کلمه انقلاب را می‌دانند؟ شاید هم بسیاری از مردم بدانند، به هر حال انقلاب از منقلب شدن و تغییر کردن می‌آید، یعنی چه؟ یعنی اینکه شما چیزی را تغییر دهید و در آن انقلابی به وجود آورید. حال ما می‌پرسیم: چه تغییر و یا انقلابی پس از رفتن رژیم فاسد شاهنشاهی^۱ صورت گرفته است. شعار شما چه بود؟ استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.

جالب است بدانید خمینی قبل و بعد از انقلاب محال بود یک سخنرانی داشته باشد و در آن اشاره‌ای به اسلام و قرآن نکند، اکنون پس از گذشت ۳۰ سال اسلام و قرآن و عدل علی تا چه اندازه در ایران پیاده (یا سوار!) شده است؟ به عنوان مثال، فقط چند مورد را بیان می‌کنیم (عقل به یک اشاره):

۱- **فساد و بی‌بند و باری:** تمام مردم بر این عقیده بودند که زمان شاه فساد، بی‌حجابی و بی‌بند و باری در جامعه زیاد بود و مردم ما هم که همگی متدین و مذهبی بودند به رگ غیرتشان بر خورده بود و یکی از دلایل انقلاب آنها مبارزه با همین فساد در جامعه بوده، و همگی خواهان یک جمهوری و حکومت اسلامی بودند تا آن حکومت جلوی این بی‌بند و باری را بگیرد و اسلام واقعی را پیاده کند و متأسفانه مردم اجرای اسلام را نیز تنها به دست آخوندهای عمامه به سر می‌دیدند و با خود می‌گفتند اینها

۱- لازم به تذکر است که رژیم شاهنشاهی نیز به هیچ عنوان مورد تایید ما نبوده و هدف ما از بیان این مطالب طرفداری از شاه نیست.

نماینده خدا و اسلام و امام زمان هستند و در حوزه‌ها درس اسلام شناسی خوانده‌اند و اگر روی کار بیایند چها که نمی‌کنند و حتماً جلوی فساد را می‌گیرند. حتی خمینی و اطرافیان او دائم می‌گفتند: اسلام در خطر است و مرتب اسلام را وسیله کار خود کرده بودند.

فکر نمی‌کنم برای خواننده گرامی لازم به توضیح باشد که هم اکنون که سی سال از آن انقلاب می‌گذرد وضع فساد و بی‌بند و باری در جامعه به چه شکل است، چون رشد فساد در جامعه کاملاً مشخص است. فساد و بی‌دینی که هم اکنون در بین مردم و جوانان ایران وجود دارد صد پله بدتر از زمان شاه می‌باشد و عده تارکین نماز نیز هر روز رو به افزایش است، و داشتن دوست دختر در بین پسران امری کاملاً عادی شده است، و بی‌حجابی نیز رو به افزایش است، و حتی بزرگسالان نیز بی‌دین شده‌اند در صورتیکه در زمان شاه اکثر مردم مذهبی بودند^۱ و گرد این مفاسد نمی‌چرخیدند و اگر کسی هم می‌خواست دنبال فسادی برود کاری به دیگری نداشت و جایگاه هر کس در جامعه مشخص بود، زن چادری دنبال مسجد خود بود و زن بی‌حجاب هم دنبال کار خود. ولی هم اکنون اگر تعدادی هم چادری مانده باشند نمی‌توان صد در صد به آنها اطمینان کرد، چون بسیار دیده شده که زنان نابکار زیر چادر نیز رفته‌اند، بگذریم...

به هر حال مردم خود دیدند که آخوندها جلوی فساد را که نگرفتند بلکه صد پله آنرا بدتر کردند و البته کسی به روی خود نمی‌آورد و چنانچه شما چیزی بگوئید فوراً می‌گویند: ای آقا، این فساد چه ربطی به روحانیون بیچاره دارد!! در پاسخ می‌گوئیم: چطور در رژیم قبلی تمام فسادهای زیر سر شاه و حکومت و اطرافیان او بود ولی اکنون کاری به حکومت و آخوندها ندارد؟!.

چطور شهادت امام حسین در کربلا مربوط به ابوبکر و عمر است؟! و تحریف و بدبختی فعلی جوامع اسلامی را ناشی از خلافت ابوبکر در ۱۴ قرن قبل در سقیفه می‌دانید

۱- البته همان مذهب ایشان نیز پر از خرافات است ولی لااقل فاسد و بی‌بند و بار نبودند.

.....

لابد چون آخوندها دارای لباس روحانی و عمامه و محاسن هستند پس کاملاً معصوم و خوب هستند و یا چون سایه خدا هستند افرادی نیکوکارند و مسئولیتی هم متوجه آنها نیست^۱. تازه آن وقتی که شما می‌خواستید این آخوندها را بر سر کار بیاورید هزاران انتظار از آنها داشتید ولی اکنون می‌گوئید: به آنها کاری نداشته باشید!! این سخن را باید قبل از انقلاب می‌گفتید تا همه تکلیف خود را بدانند و به آمدن آخوندها دل خوش نکنند و خودشان به فکر اصلاح جامعه باشند. هم اکنون نیز چنانچه آخوندها دین و حکومت را رها کنند و کنار بروند کسی با آنها کاری ندارد ولی مشکل اینجاست که اینها تنها خود را لایق حکومت می‌دانند و هر مخالفتی را نیز فوراً سرکوب می‌کنند و مانند هشت پای روی همه جا دست گذاشته‌اند.

۲- **وضعیت اقتصادی:** در مورد وضعیت اقتصادی مردم و قیمت اجناس و گرانی آنها تمامی مردم اعتراف دارند که وضعیت اقتصادی در زمان شاه اصلاً قابل مقایسه با زمان فعلی نیست و پس از انقلاب هر روز قیمت اجناس و تورم رو به افزایش است، قیمت زمین و خانه که نجومی شده و اصلاً مشکل مسکن یکی از مشکلات مهم مردم شده در صورتیکه قبل از انقلاب اصلاً کسی به فکر خرید خانه نبود و مردم مشکل مسکن نداشتند، قیمت گوشت و مرغ و... نیز بسیار گران است، و کشوری که دارای منابع نفت و گاز بسیار است باید هر روز اقتصاد آن بدتر شود و مردم بدبخت‌تر شوند و البته این سیاست ایشان است که مردم را در فقر نگه دارند و به قول خود مردم که می‌گویند: شکم ما قبل از انقلاب سیر بود و مشکلی نداشتیم و برای همین به خیابانها ریختیم تا انقلاب کنیم، ولی اکنون باید از صبح تا شام دنبال یک لقمه نان باشیم و دیگر به حکومت کاری نداریم. حتی مردم انتظار داشتند که وضع آنها پس از انقلاب بهتر هم بشود و در واقع طمع کردند. خود خمینی در بهشت زهرا می‌گفت: این دارایی از غنائم

۱- بزرگ‌ترین مشکل مردم ما این است که برای تشخیص حق از باطل افراد را ملاک کار خود می‌گیرند.

اسلام است من امر کردم به مستضعفین بدهند^۱ و خواهند داد!! و می‌گفت: به این نغمه‌های باطل گوش ندهید آنها حرف می‌زنند ولی ما عمل می‌کنیم!! و می‌گفت: ما یک مملکت محمدی ایجاد می‌کنیم!!^۲. البته من فکر می‌کنم خمینی فراموش کرده بود ان شاء الله بگوید، و برای همین هیچکدام از وعده‌های او تحقق نیافت. البته مرا ببخشید که ایشان را با پیامبر اسلام مقایسه می‌کنم، ایشان خیلی بالاتر از این حرفها هستند!! جالب است که هیچ وقت در تلویزیون انقلابی این سخنرانی پخش نمی‌شود و فقط قسمتی از آن را که می‌گوید: من دولت تعیین می‌کنم، من توی دهن این دولت می‌زنم، من فلان می‌کنم، من، من، من... را پخش می‌کنند، ولی آن قسمت که می‌گوید: آب و برق را مجانی می‌کنیم و اتوبوس را مجانی می‌کنیم و معنویات می‌آوریم^۳ و... پخش نمی‌شود، چرا؟ چون علاوه بر اینکه چیزی مجانی نشد (به جز جان انسانها) بلکه تازه هر سال کمبود گاز، برق و آب در نقاط مختلف کشور مشاهده می‌شود. در جریانات ابوالحسن بنی صدر همه ولایت داران می‌گفتند: امام از اول هم می‌دانست که او خائن است!!، بله، اصولاً امام همه چیز را می‌داند و علم غیب دارد و معصوم از هر خطائی است!! ولی نمی‌دانیم چرا وعده‌های او در بهشت زهرا عملی نشد؟! لابد در آنجا تقيه می‌کرده، یا خدعه می‌کرده تا حکومت را بگیرد. چه باید کرد که تا احمق در جهان است ابرقُدُ خندان است.

۳- اگر کسی آرشیو روزنامه‌ها و مجلات را از ابتدای انقلاب تا کنون داشته باشد و به آنها مراجعه کند محال است یک هفته در این سی سال بدون هیچگونه موضوع یا

۱- بلهه واقعا هم که چقدر شما به فکر مستضعفین هستید، شما بیشتر به درد مستکبرین می‌خورید تا مستضعفین.

۲- مملکت محمدی خود را با صادر کردن دختران ایرانی به خارج و فساد و بی‌بند و باری در داخل و افزایش جوانان معتاد نشان دادند.

۳- یا می‌گفت: شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم!! مثل اینکه مردم حیوان بوده‌اند، البته مقام انسانیت را با افزایش تعداد معتادین و دزدان و خلافکاران مشاهده کردیم.

جنگال تازه‌ای سپری شده باشد (شاه را پس بدهید تا محاکمه و اعدامش کنیم، حمله به سفارت آمریکا، شاخ شدن با ملی مذهبی‌ها و بازرگان، شاخ شدن با مجاهدین، اعدام قطب زاده، جنگ، ما اهل کوفه نیستیم، غائله شریعتمداری، غائله منتظری، ماجرای آن زنی که در مصاحبه رادیوئی گفته بود: اوشین^۱ الگوی من است و خمینی عصبانی شده بود، حتی از دست خیرنگار آن، تبلیغ بسیار عالی و موثر برای فروش کتاب سلمان رشدی با صدور حکم اعدام او، غائله حجاج در عربستان و مهدی هاشمی، انرژی هسته‌ای هزار تومان بسته‌ای!! و....).

۴- **اعتیاد، مشکل کار و ازدواج جوانان:** اعتیاد به انواع و اقسام مواد مخدر و روانگردان، بیکاری و مشکل کار و ازدواج نیز از موارد دیگر است که پس از انقلاب افزایش یافته^۲، و قبل از انقلاب چنانچه کسی دیپلم داشت بهترین کار برای او مهیا بود و به راحتی نیز ازدواج می‌کرد. ولی اکنون کسانی که دکترا و لیسانس دارند باید مدت‌ها دنبال کار بگردند و آخر هم کاری مناسب پیدا نکنند. لازم به تذکر است که بهانه‌هایی که عده‌ای می‌آورند مبنی بر اینکه جمعیت فعلی جامعه بیشتر است و شرایط تفاوت کرده؛ به هیچ عنوان قابل قبول نیست، چون جمعیت دو برابر شده و پول نفت ۱۰ برابر و کارخانه‌ها و صنایع هم گسترش یافته‌اند و بنیاد پهلوی هم دیگر نیست که پولها را بدزد. جمعیت هر دوره متناسب با همان شرایط خودش می‌باشد، از همه گذشته شما برای بهبودی این مشکلات انقلاب کردید ولی بالعکس این مشکلات بیشتر شده، و بیکاری که قبل از انقلاب کم بوده افزایش یافته و فرار مغزها زیاد شده، بحث ما نیز بر سر همین موضوع انقلاب شماست که بیفایده بوده است.

۵- **شهیدان و کشته دادن:** انقلاب ایران یکی از نادرترین انقلاب‌هایی بوده که کمترین خون و کشته را داده است، و انقلاب‌های دیگر در کشورهای مختلف دارای

۱- اوشین زنی بود که در سریالی ژاپنی ایفای نقش می‌کرد.

۲- طبق گفته‌های خودشان آمار طلاق در جوانان بسیار بالا رفته است.

خونریزی بسیار بوده است، از این موضوع بگذریم. خمینی قبل از انقلاب خطاب به مردم می‌گفت: شاه قبرستان‌ها را آباد کرده است، و مرتب می‌گفتند جوانان ما را کشتند و شهید کردند. حال ما می‌پرسیم: پس از انقلاب و طی جنگی ۸ ساله که ۴ سال آن نیز به خاطر لجاجت خمینی و باند احمق سپاه، ادامه یافت قبرستان‌ها بیشتر آباد شد یا قبل از انقلاب؟ و چه ضررهایی که از این جنگ به ملت ما وارد نشد و چه خون‌هایی که ریخته نشد و چه ضرراتی که به اقتصاد جامعه وارد نشد، برای چه؟ برای اینکه همه چشم و کور بسته دنبال سایه خدا می‌دوید و می‌ترسید او را مورد بازخواست و سوال قرار دهید و بگویید: چرا صلح نمی‌کنی؟ چون سایه خدا قصد داشت انقلاب تحفه خود را به تمام کشورها صادر کند، و این نیز یکی دیگر از ثمرات انقلاب ایران و روی کار آمدن آخوندها بود و البته حماقت عده‌ای تمام شدنی نیست و هنوز جان بر کف برای خدمت به آخوندها آماده هستند.

۶- **دموکراسی و آزادی:** به عقیده مردم قبل از انقلاب آزادی نبود و هر کس هم به حکومت ایرادی می‌گرفت فوراً سر از ساواک در می‌آورد. حال می‌پرسیم: آیا اکنون کسی می‌تواند به حکومت یا به خامنه‌ای یا به خمینی ایرادی بگیرد؟ یا اگر کسی خواست امر به معروف و نهی از منکر را در مهمترین حوزه آن یعنی حکومت و سیاست وارد کند سر از اداره اطلاعات در می‌آورد که روی ساواک را سفید کرده است.^۱ دیکتاتوری و خفقانی که در رژیم آخوندها است هیچ جا پیدا نمی‌شود. البته اشتباه نشود در مورد آزادی زیر شکم هیچگونه خفقانی وجود ندارد و تنها در مورد آزادی گردن به بالا است که خفقان

۱- حتی پس از انقلاب در خلال مراسم حج در عربستان نیز بین ایرانیان و مامورین آنجا درگیری ایجاد شد. لابد آخوندها می‌خواستند انقلاب خود را به مکه و مدینه هم ببرند و در ابتدا هم در قبرستان بقیع پیاده شود یعنی یک گنبد و بارگاه بزرگ روی قبور امامان احداث کنند تا اسلام نجات پیدا کند!!

۲- مثل قتل‌های زنجیره‌ای و جنایات دیگر اطلاعات و سربازان گمنام امام زمان، که باید کتابی جداگانه برای آنها نوشت.

است. در مورد سیاست آخوندها دائم می‌گویند: با دین یکی است و شعارشان این است که دیانت ما عین سیاست ماست^۱، ولی در فریضة امر به معروف و نهی از منکر به طور استثناء دین از سیاست جدا می‌شود، و شما نمی‌توانید رهبر یا روحانیون و سردمداران حکومتی را امر به معروف و نهی از منکر کنید، چون فوراً مفسد فی الارض، مرتد و اقدام علیه امنیت کشور خواهید شد و امر به معروف و نهی از منکر نیز تنها مربوط به خود آخوندهاست. البته آنها نیز بیشتر امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند، حالا شما ببینید چطور خواهد شد. خفقان ایشان تا این حد است که حتی سایتهای اینترنتی مخالف با خود را می‌بندند و فیلتر می‌کنند، از سایتی سیاسی گرفته تا سایتهای اهل سنت، و همچنین اجازه چاپ کتاب و فعالیت فرهنگی نیز ندارند، چرا؟ چون اگر مردم کتب و سایتهای دیگر را ببینند دیگر زیر بار حرفهای آخوندهای خرافی نمی‌روند.

۷- وضعیت ایران در جوامع بین المللی: از نظر رابطه با کشورهای دیگر نیز قبل از انقلاب ایرانیان در بین کشورهای دیگر دارای منزلت کامل بودند ولی پس از انقلاب با سیاستهای ابلهانه‌ای که مذهب‌یون خرافی و سایه‌های خدا! در پیش گرفتند هر روز بیشتر به منزوی شدن ایران کمک کردند و چهره‌ای تروریستی و وحشتناک از ایرانیان ساختند. تمامی ایرانیانی که در زمان شاه به سایر کشورها مسافرتی داشته‌اند به این نکته معترفند که در فرودگاهها و سایر اماکن کشورهای خارجی چه برخورد بسیار مودبانه و خوبی با مردم ما داشته‌اند ولی اکنون حتی از قهرمانان ورزشی اثر انگشت می‌گیرند و چه بسا چند روز دیگر از ریاست جمهوری ما نیز اثر انگشت بگیرند و... آری، وقتی مذهب و فرقه‌ای خرافی با دین مخلوط شود بهتر از این نخواهد شد. البته ما نمی‌خواهیم از رژیم شاهنشاهی دفاع کنیم چون آن رژیم نیز همین عقاید خرافی را داشت و همینطور فسادهای بسیار دیگر، ولی به هر حال انقلاب شما وضعیت بین المللی و سایر موارد را که در رژیم قبلی بود بهتر نکرد و بلکه صد پله بدتر نمود.

۱- پس از انقلاب بر پشت اسکناس‌های ۱۰ تومانی همین جمله را می‌نویسند.

پس از بحث در مورد انقلاب و شکل‌گیری حکومت خوارج^۱ در ایران می‌رویم به سراغ مطالب دیگر پیرامون این تنها نظام خدایی! در جهان.

۱- شخصی پس از جنگ نهروان به حضرت علی می‌گوید: خوب این خوارج را نابود و ریشه کن کردیم حضرت علی می‌گوید: خیر آنها در آینده خواهند آمد، آنها در پشت مادران و پدران هستند و مگر خوارج که بودند؟ خراب کن وجهه اسلام - قشری و تنگ نظر - سطحی نگر و متعصب - احساساتی - مداخله جو در تمامی حوزه‌های دینی و اجتماعی و سیاسی - و انتخابگر گزینشی از آیات قرآن به نفع خود و....

اسلام و قرآن

خواننده گرامی توجه داشته باشد که حکومتی به این شکل، یعنی نظام ولایت مطلقه فقیه، در اسلام تعریف نشده و در کتاب و سنت وجود ندارد.

حدیثی که ایشان آورده‌اند این است که امام زمان فرموده: و اما حوادث واقعه به راویان حدیث ما رجوع کنید، آنها حجت من بر شما و من حجت خدا می‌باشم «وَأما الحوادث الواقعة فارجعوا إلى رواة أحاديثنا فإنهم حجتي عليكم وأنا حجة الله عليهم». و آخوندها مدعی هستند که فقها و مراجع شیعه راویان احادیث اهل بیت هستند و تنها ایشان باید نائب امام زمان باشند و چون در زمان فعلی تنها جانشین بر حق و الهی رسول خدا ﷺ امام زمان می‌باشد و او هم که غائب است، و طبق این حدیث تنها ولی فقیهی از شیعیان اثنی عشریه می‌تواند ولی امر کل مسلمین جهان باشد تا خود مهدی ظهور کند!! البته معلوم نیست چه وقت می‌خواهد ظهور کند و ممکن است تا چند میلیون سال دیگر هم طول بکشد و نزدیک قیامت ظهور کند!!، خواننده توجه داشته باشد، اولاً: شخصی به نام محمد بن الحسن العسکری وجود ندارد و امام حسن عسکری فرزندی نداشته است، و احادیث پیرامون تولد مهدی و سایر موارد آن جعلی و به شدت متضاد و متناقض (مانند نامه‌های متعددی که برای مادرش ذکر کرده‌اند) و ساخته دست غلات هستند؛ و برای تحقیق پیرامون این مسئله به کتابهای مختلف نقد و بررسی مهدی رجوع کنید^۱. در قرآن نیز اسمی از امام زمان برده نشده است و وجود او تنها از احادیث جعلی ثابت خواهد شد و یا تفسیر به رای کردن آیات قرآن کریم، پس وقتی خود امام زمان نباشد نائب او نیز حق ندارد به نام شخصی خیالی تشکیل حکومت خدایی دهد و خود را ولی

۱- مثل کتاب بررسی علمی در احادیث مهدی نوشته علامه برقی و کتاب از شوری تا ولایت فقیه نوشته احمد الکاتب و کتاب غائب همیشه غائب نوشته اینجانب.

هم می‌دانند ولی فقیه این شروط را ندارد پس همه مطمئن می‌شوند و می‌گویند که حتماً باید با مهدی در ارتباط باشد وگرنه شرایط رهبری را ندارد چون معصوم نیست، و علم غیب ندارد و با وحی الهی هم در ارتباط نیست، پس رابطه او با مهدی آشکار و واضح خواهد بود، که البته این با بسیاری از احادیث شما که در آنها بر کذاب خواندن مدعیان رابطه با مهدی تاکید شده در تضاد است.

رباعاً: در حدیث مورد استناد شما گفته شده: در حوادث واقعه به راویان حدیث ما رجوع کنید و حوادث واقعه می‌تواند حوادث روزمره هم باشد نه حکومت و زمامداری. پس متوجه باشید که تعیین اولی الامر به شورای مسلمین است و البته اهل حل و عقد نیز هستند که در صدر اسلام انصار و مهاجرین بوده‌اند ولی آخوندها مدعی هستند که مجلس خبرگان رهبری که تنها فقها هستند اهل حل و عقد می‌باشند، چون باید ولی فقیه انتخاب کنند و ایشان فقط می‌فهمند!!^۱ اینها از ابتدا امور دینی را امری انحصاری کرده‌اند که تنها تحت عنوان چهارده اسم بچرخد و بقیه کف روی آب باشند و در اینجا نیز سیاست و حکومت را در انحصار خود آخوندها در آورده‌اند و مرتب هم می‌گویند: دین از سیاست جدا نیست و ما که دین هستیم باید دو دستی بچسبیم به سیاست و حکومت امام زمانی تا مبدا دشمنان به آن آسیبی بزنند!! باید به ایشان گفت: چه کسی گفته شما دین هستید؟ و کجای قرآن یا احادیث آمده که فقط آخوندها و روحانیون شیعه اثنی عشریه باید مجلس خبرگان تشکیل دهند و رهبری به عنوان ولایت مطلقه فقیه و نایب امام زمان روی کار بگذارند؟ من فردی بدون لباس روحانی می‌شناسم که خیلی بیشتر از شما به امور دینی پایبند است، و خیلی از شما دانشمندتر است. اصلاً کلمه روحانی و روحانیت مخصوصاً با این تشکیلات فعلی در صدر اسلام وجود نداشته و در

۱- در اینجا یک دور احمقانه باطل (و شاید هم مزورانه) وجود دارد، تعیین و تایید فقهای شورای نگهبان با کیست؟ رهبر. رهبر را چه کسی تعیین می‌کند؟ مجلس خبرگان. نمایندگان مجلس خبرگان را چه کسی تایید می‌کند؟ شورای نگهبان!! در حقیقت یعنی رهبر خودش خودش را به صورت غیر مستقیم، انتخاب می‌کند!!!!!!

بین صحابه پیامبر ﷺ کسی با این عنوان وجود نداشته، و واژه روحانی از مسیحیت وارد شیعه شده (پدر روحانی و مادر روحانی). تازه، ای کاش فقط یک شخص با لباس روحانی بود، ولی ایشان تشکیلات و حکومت و برو و بیای زیادی درست کرده‌اند که هیچ جایی در اسلام ندارد، جالب اینجاست که خمینی گفته: اسلام منهای روحانیت، اسلام نیست!!! باید به او گفت: کجای اسلام صحبت از روحانیت و آخوند مفت خور شده است؟ قوانین اسلام و آیات قرآن روشن و محکم و مبین است و همه مردم قادر به فهم آن هستند و خواهند بود و اسلام نیازی به روحانی ندارد^۱. البته چنانچه اشخاصی به عنوان تعلیم دروس دینی حضور داشته باشند کسی با آنها مخالفتی نخواهد داشت، ولی شما که با تعلیم و تعلم مردم کاری ندارید، شما فقط آمده‌اید خمس را بگیرید و حکومت امام زمان را تا ظهورش در دستان خود نگهدارید، و دین را نردبان سیاست کنید یا دکانی کنید برای مفت خوران یا عملی کنید برای تفرقه زدن میان شیعه و سنی تا اسرائیل و آمریکا راحت‌تر باشند^۲.

نکته مهم دیگر این است که خمینی در بهشت زهرا طی سخنرانی خود به طریقه حکومت و جانشینی شاه که به صورت جانشینی پسر به جای پدر است ایراد گرفت و گفت: این عمل ایشان عقلی نمی‌باشد. واقعاً این سخن مرجع عالیقدر شیعه خیلی جالب و خنده دار است، و این سخنان از رهبر شیعیان جهان بعید است، تنها در مذهب شیعه این سخنان می‌تواند عقلی باشد، چرا؟ چون همه می‌دانید که در مذهب شیعه امامت و جانشینی امامان در فرزندان امام حسین که خود فرزند حضرت علی است تحقق می‌یابد.

۱- در ابتدای سوره بقره می‌خوانیم که در این کتاب هیچگونه ظن و شکی نیست ﴿لَا رَيْبَ فِيهَا﴾ و شما چیزی را که در آن شک و شبهه باشد تفسیر و توجیه می‌کنید نه چیزی که روشن، مبین و آشکار باشد، پس اسلام منهای روحانیت هم اسلام است و نیازی به روحانی ندارد.

۲- به قول دکتر شریعتی هر کس به اختلاف زدن میان شیعه و سنی کمک می‌کند حقوق بگیر اسرائیل است و بیخود نیست که آخوندها از شریعتی متنفر هستند.

پس چطور این امر در مذهب خودتان عقلی است ولی برای رژیم شاه و پهلوی امری غیر عقلی می‌شود؟ فراموش نکنید در اینجا تنها صحبت در مورد عقلی بودن این مورد است نه چیزی دیگر. شما طبق احادیث می‌گوئید: هر آنچه دین حکم کند عقل نیز همان را حکم می‌کند و عقاید مذهب خود را عقلی می‌دانید. پس نمی‌توانید بگوئید: امر امامت دستور خدا بوده و ربطی به عقل ندارد. مگر اینکه اعتراف کنید مذهب شیعه و نصوص آن با عقل سازگاری ندارد (که همینطور هم هست) و تنها روی نصوص خود مجبور به داشتن این مذهب و عقاید آن شده‌اید چون نمی‌توانید از نص الهی سر پیچی کنید.

پس از بحث اسلامی نبودن این حکومت می‌رویم سراغ موارد دیگر.

امر به معروف و نهی از منکر

همانطور که قبلاً نیز بدین موضوع اشاره کردیم و البته در اینجا کمی بیشتر توضیح می‌دهیم:

طی این دورانی که از غیبت مهدی می‌گذرد شیعیان دائم به فکر گرفتن حکومت برای امام خود بوده‌اند و تمامی حکام و رهبران حکومتی را غیر اسلامی یا حتی غاصب و ظالم می‌دانستند و همیشه با آن حکومتها سر جنگ داشته‌اند. به خاطر همین نیز دائم در خفا و فرار بوده‌اند. البته در زمان ظهور دولت صفویه در ایران اوضاع برایشان خوب شد، ولی باز آن شاه ظالم صفوی نیز به عنوان نائب امام زمان بوده است و حق حکومت نداشته است. ولی وقتی روحانی صفوی در کنار شاه می‌رفته مهر تاییدی بر او می‌زده و چشمان مردم احمق هم همیشه به سمت آخوندها بوده است. وقتی مجلسی و شیخ بهایی در کنار شاه بوده‌اند مردم هم زیاد با دولت و شاه کاری نداشته‌اند، ولی از این موضوع که بگذریم چنانچه شاهی می‌خواست خودسرانه عمل کند و ظلم و ستمی بر مردم یا منافع آخوندها وارد سازد، در اینجا روحانی صفوی دیگر بیکار نمی‌نشسته و چون در بین مردم بوده و در بین آنها محبوب بوده و حکومت را هم در دست نداشته است مردم کاملاً مطیع او بوده‌اند و او از این موقعیت خود استفاده می‌کرده و فوری آن شاه را توبیخ می‌کرده است و نظام حاکم را متوجه خطای خود می‌کرده است و چون مردم طرف روحانیون بوده‌اند، آن حکومت هم از روحانیون حساب می‌برده است و با آنها کاری نداشته است^۱. بنابراین، آخوندها می‌توانسته‌اند به راحتی حاکمان خود را امر به معروف و نهی از منکر کنند و تا

۱- صفویه با عزاداری و گنبد سازی و تکیه سازی شیعیان کاری نداشته تا خودش راحت حکومتش را در دست داشته باشد و مردم هم به گریه و زاری خودشان بپردازند.

حدودی جلوی منکرات آنها بایستند^۱. این موضوع ادامه داشت تا ظهور انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران. در اینجا دیگر آن روحانی و نماینده دینی که در میان مردم بود خودش برای حکومت کردن آمد و از کنار تخت شاه بر روی خود تخت نشست تا خیال همه را راحت کند^۲، و چون در اینجا سیاست آقایان عین دیانت و دیانت آنها عین سیاستشان شد، کسی نمی‌توانست به راحتی حکومت دینی را امر به معروف و نهی از منکر کند چون نائب امام زمان بود و تنها جانشین بر حق رسول خدا ﷺ و مردم بت ساز ما هم او را بیشتر یاری دادند و آن عصمتی که برای چهارده معصوم قائل بودند برای او هم تراشیدند و کسی جرات ندارد بگوید: خمینی فلان اشتباه را کرده است. جالب اینجاست که شبه محققین ایشان و خود روحانیون و رهبران دائم می‌گویند: دین و سیاست ما یکی است و جدایی ناپذیر است، ولی اگر شما بخواهید امر به معروف و نهی از منکر را که امری دینی است در مورد سیاست ایشان به کار بگیرید آن وقت می‌شوید: مفسد فی الارض، محارب با خدا، مرتد و ضد ولایت فقیه، پس باید به ایشان گفت: به طور استثناء در مورد امر به معروف و نهی از منکر، دین از سیاست جدا می‌شود و دیگر یکی نیستند. آخوند شیعه در طول تاریخ نیز همینطور عمل می‌کرده و پیچ هر چیزی در دست خودش بوده، هر جا حضرت علی علیه السلام از حضرت ابوبکر رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه تعریف و تمجیدی کرده آنرا حمل بر تقیه می‌کرده، و هر جا آیه‌ای از قرآن با مذاق او خوش نمی‌آمده آن آیه را با احادیث جعلی تفسیر می‌کرده، در موضوع دین و سیاست نیز هر جا به ضررش تمام شود فوراً دین را از سیاست جدا می‌کند و یک سکولار به تمام معنا می‌شود. پس این مورد نیز یکی از معایب بسیار بزرگ حکومت آخوندی است که ما در

۱- مهم‌ترین مثال آن هم تحریم تنباکو در زمان قاجاریه توسط میرزای شیرازی است که حتی توسط زنان شاه هم اعمال گردید.

۲- روحانی و عالم شیعی از کنار مردم برخاست و در کنار سلطان صفوی نشست، تشیع مردمی تبدیل شد به تشیع دولتی. تشیع علوی و تشیع صفوی صفحه ۱۹۶، دکتر علی شریعتی.

اینجا بیان نمودیم. برآستی کدام یک از شما حتی برای یک بار از یک آخوند کلمه اشتباه کردم و یا معذرت می‌خواهم را شنیده است؟! لازم به توضیح نیست که در ایران، زندان سیاسی شدن بدترین زندانهاست و معلوم نیست چه بلایی سر آن اشخاص در می‌آورند.^۱ هر کس بخواهد اظهار نظری کند باید از طریق سایت‌ها و ماهواره‌های خارجی عمل کند، چون در ایران تنها باید از حکومت تعریف و تمجید کنی یا انتقادی کوچک و ملایم که زیر نظر خودشان باشد انجام دهی. البته همین جلوگیری کردن از اظهار نظرات و ایجاد خفقان باعث سقوط ایشان می‌شود و این خوب است. خواننده کافی است کمی تحقیق کند و زندگی نویسندگان روشنفکر ایران را بخواند تا به وجود این خفقان پی ببرد، کسانی چون علامه برقی که حتی اقدام به ترور او هم کردند که خوشبختانه موفق نشدند و دائم او را زندان می‌کردند و این نمونه‌ای از آزادی گردن به بالای این حکومت است. خنده دار اینجاست که می‌گویند: پس از رحلت پیامبر ﷺ، ابوبکر و عمر و اطرافیان آنها خفقان ایجاد کردند تا کسی جرات صحبت علیه آنها را نداشته باشد!! ما نمی‌دانیم این چه خفقانی بوده که زنها در مسجد علیه خلیفه خطبه می‌خوانده‌اند و اعتراض می‌کرده‌اند (خطبه فاطمه زهرا به عقیده شیعه) یا برای بیعت گرفتن به درب منزل انصار می‌رفته‌اند؟! این چه خفقانی بوده که عربی ساده بلند می‌شده و به حضرت عمر می‌گفته: اگر کج شدی با این شمشیر تو را راست می‌کنیم یا به او می‌گفته: چرا لباس تو بلندتر از بقیه است و از او توضیح می‌خواسته؟! خلیفه‌ای که ۳ امپراطوری بزرگ جهان در آن زمان را به زانو درآورده بود. به هر حال، پس از روی کار آمدن آخوندها فریضه امر به معروف و نهی از منکر در حوزه سیاست از بین رفت و ممنوع شد.

۱- فراموش نکنید زندان سیاسی با زندان‌های معمولی متفاوت است و اشخاصی که از زندان می‌آیند می‌گویند ما از سیاسی‌ها جدا بودیم و اصلاً آنها را نمی‌دیدیم و معلوم نبود با آنها چه می‌کردند؟ آنها مزایای سایر زندانیان را ندارند، همچون رفتن به مرخصی یا معاشرت با زندانی‌های دیگر و راحت بودن و نامه نوشتن به خارج از زندان و غیره...

جوامع اهل سنت عیوب کمتری دارند ولی همان چند عیب هم که دارند بسیار بزرگ است، مثلاً در مورد حاکم ظالم بسیار بی‌توجه هستند و از احادیث مختلف خود این عقیده را گرفته‌اند که مثلاً تا وقتی حاکمی کفر آشکار نداشته باشد موردی ندارد یا اگر حاکم با شلاق بر پشت شما زد کاری نکنید و در مورد قیام و یا امر به معروف علیه حاکم ظالم بسیار سهل‌انگار هستند و اینکار را جایز نمی‌دانند چون باعث تفرقه خواهد شد و می‌گویند: در معصیت است که نباید از حاکمان پیروی کنیم. به خاطر همین عقیده است که می‌بینید حاکم فلان کشور از اهل سنت در مدارس آن کشور اسلامی قانون منع حجاب گذاشته و جلوی حجاب دختران را گرفته است، ما نمی‌دانیم این چه حاکم مسلمانی است؟ مراجع آن کشور هم چیزی نمی‌گویند و مردم هم کاری نمی‌کنند، چرا؟ چون حاکم است و هر غلطی که خواست می‌تواند انجام دهد^۱. یکی از مزیت‌های شیعیان در تاریخ، همین امر بوده که در برابر حاکمان ظالم سکوت نمی‌کرده‌اند ولی اکنون این مزیت هم از بین رفته، چونکه خود دین و خود روحانی حاکم و شاه شده و کسی به این راحتی نمی‌تواند او را امر به معروف و نهی از منکر کند، چون می‌شود: ضد ولایت فقیه، مرتد، محارب با خدا و مفسد فی الارض و کارش تمام است.

می‌دانید بزرگترین ضرر یکی شدن دین با سیاست چیست؟ بزرگترین ضرر و بدبختی این عقیده این است که هر جنایت، فساد، انحراف و بدعتی که حکومت، سیاست، رهبران و آخوندها انجام می‌دهند، مردم و جوانان ساده و بی‌اطلاع آن کجی‌ها و خرابی‌ها را به نام اسلام و دین می‌بینند و فکر می‌کنند در صدر اسلام نیز همین‌گونه بوده

۱- البته این نظریه تمامی علمای اهل سنت، و در این مورد علمای اهل سنت نظریات مختلفی دارند. برای آگاهی در این مورد به کتاب «أصناف الحکام وأحكامهم» نوشته شیخ دکتر عمر عبد الرحمن - فک الله أسره - مراجعه شود، و حتی رأی دیگر علمای اهل سنت در مورد مسأله حجاب اینطور نیست که حاکم از حجاب جلوگیری کند و مسلمان باشد بلکه این از جمله کفر واضح است برای تفصیل بیشتر می‌توانید به کتابهای عقیدتی اهل سنت برگردید زیرا مسأله تکفیر حاکم مسأله‌ای ساده نیست و خون‌های زیادی ریخته خواهد شد که بعد هم معلوم نیست حاکم عادل بیاید. مُصحح.

است و در نهایت نسبت به احکام اسلام بدبین شده و مانند هم اکنون می‌شود که بسیاری از جوانان در ایران بی‌نماز، و یا عرب‌ستیز و اسلام‌گریز شده‌اند. حتی اینجانب بارها دیده‌ام که یکی از مخالفان اسلام و به اصطلاح خودشان خردگرایان (البته بهتر است بگوییم: خردباختگان) دائم انحرافات آخوندها و رجال حکومتی در ایران را مطرح می‌نمود و بعد هم فوری می‌گفت: همه ما نتیجه می‌گیریم که در صدر اسلام نیز همینگونه بوده و فرقی با اکنون نداشته، و در آن زمان نیز همین جنایات و فسادها توسط اشخاصی دیگر انجام می‌شده است!!!^۱ پس شما ببینید چه ضربات مهلکی توسط یکی شدن سیاست کثیف با دین وارد آمده است.

یکی شدن دین با سیاست و نردبان کردن دین برای اهداف سیاسی به صورت عادی هم ایجاد اشکال می‌کند چه برسد به اینکه اینکار را به نام اهل بیت نبی اکرم علیهم‌السلام انجام دهیم که ضرر آن دو چندان می‌شود و همه مردم نسبت به اساس اسلام و خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدبین می‌شوند. حتی شاید یکی از دلایل جانسین نداشتن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همین مورد بوده، چون چنانچه خطایی از خلفای بعدی سر می‌زده است همه مردم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دین اسلام را مسبب اصلی آن می‌دیدند.

گرداندگان حکومت در ایران بر یکی بودن دین و سیاست تاکید فراوان دارند، ولی هر جا که این امر به ضررشان تمام شود فوراً این دو را از هم جدا می‌کنند، مثلاً در جریان اختلاف میان خمینی با منتظری که جنجال فراوانی به راه انداخت و مدت زیادی

۱- و اکثر خرافاتی که این خردباختگان بر ضد اسلام مطرح می‌کنند از تشیع صفوی و روافض است و یا از بحار الأنوار مجلسی که مملو از این خرافات است، ولی وقتی می‌روند سراغ قرآن می‌بینید که چیزی برای گفتن ندارند، کسی نیست به این بیخردان بگوید خرافات فرقه‌ای یا جنایات سیاستمداران چه ربطی به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اسلام و قرآن دارد؟ البته خیلی از اینها خود را به خواب زده‌اند ولی من از جوانان ساده و بی‌اطلاعی در عجبم که با اشتیاق به سمت این تحفه‌ها می‌روند، چرا؟ چون دین واقعی اسلام را به آنها معرفی نکرده‌اند و بنابراین براحتی در دام این شیاطین می‌افتند.

نیز در همه جا صحبت از منتظری بود. در آن هنگام وقتی به یکی از طرفداران خمینی که از قشر حزب اللهی، بسیجی و سپاهی هستند و دائم هم سنگ ولایت فقیه را بر سینه می‌زنند می‌گفتی: پس چرا شما منتظری را قبول ندارید و دشمن او شده اید؟ مگر او کتاب ولی فقیه را ننوشته؟ مگر او آیت الله نیست؟ مگر او در تسلط بر معارف مذهب شیعه از علمای به نام شما نمی‌باشد؟^۱

ایشان فوری در پاسخ می‌گویند: درست است که منتظری فقیه و عالم زبر دست شیعه است ولی او در مسئله سیاست وارد نیست و در این مورد تبحر ندارد و بهتر است در امور سیاسی دخالت نکند و امر سیاست را به ما بسپارد که وارد هستیم!!

کسی نیست به اینها بگوید: مگر شما نمی‌گوئید دیانت ما عین سیاست ماست؟ پس اگر منتظری از علمای دینی شماست چرا در مورد سیاست او را قبول ندارید؟ و می‌گوئید: او عادل نیست و فلان نیست^۲، و حتی جنبه دیانتی او را نیز منکر می‌شوید و در سفرهای حج می‌بینید که روحانی کاروان دائم با مقلدین منتظری گفتگو می‌کند تا مرجع خود را عوض کنند. پس شما چنانچه ببینید یکی بودن دیانت با سیاست به نفعتان نیست فوراً آنها را از هم جدا می‌کنید.

حتی اگر به بعضی از این حزب الهیان متعصب بگوئید: چرا شما با اهل سنت وحدت دارید؟ و مگر شما عقاید آنها را قبول دارید؟ فوراً می‌گویند: ما از لحاظ سیاسی با ایشان وحدت داریم نه از لحاظ دینی و مذهب ما که تشیع می‌باشد جدا از آنهاست^۳، و فقط ما اهل نجات هستیم!!

در صورتیکه خدا و پیامبر و کتاب همه مسلمین یکی است، و باید با هم متحد باشند و اختلافات را کنار بگذارند، ولی متأسفانه بعضی‌ها عقاید و اعمالی را در پیش گرفته‌اند

۱- به عنوان مثال منتظری که از مراجع مذهبی ایشان است در علم الرجال متبحر است.

۲- البته لازم به تذکر است که من به هیچیک از این دو نفر (خمینی و منتظری) اعتقادی ندارم.

۳- آریه شما جدا از آنهاست، آنها به بهشت می‌روند و شما به جهنم.

که به این سادگی‌ها نمی‌توان با آنها متحد شد. البته باز هم اهل سنت حاضر است با همین عده نیز ایجاد وحدت کند.

آیا شمایی که مذهب تشیع و دوستی حضرت علی را دارید حاضرید با خوارج متحد شوید؟ در صورتیکه می‌دانید خوارج حضرت علی را لعن می‌کنند، پس چطور انتظار دارید اهل سنت با شما متحد شوند؟ در صورتیکه شما همه اصحاب را مرتد و غاصب حق الهی علی می‌دانید و حضرت ابوبکر و حضرت عمر و ام المومنین عایشه را لعن می‌کنید! خواهش می‌کنم فوراً نگوئید: شیعه چنین اعتقاداتی ندارد و کسی را لعن نمی‌کند!! و با حضرت عمر هم دوستی دارد!! چون این صحبتها باعث خنده ما می‌شود.

ما می‌پرسیم: کمترین چیزی که شما بدان معتقد هستید چیست؟ آیا شما معتقد به این امر نیستید که حضرت علی از جانب خداوند در غدیر خم برای جانشینی بلافصل پیامبر ﷺ انتخاب شده و مردم هم با او بیعت کرده‌اند؟ پس داشتن چنین اعتقادی خود به خود یعنی اینکه صحابه رسول خدا ﷺ این فرمان مهم الهی را زیر پا گذاشته‌اند و علی را خلیفه نکرده‌اند و در سقیفه بنی ساعده با ابوبکر بیعت کرده‌اند و به قول خودتان مرتد شده‌اند. پس چطور می‌توان با شما ایجاد اتحاد کرد؟ تازه از بحث صحابه که بگذریم، داشتن اعتقاداتی که شرک محض است از همه چیز بدتر است. شما که صفات خالق را به مخلوق و به ائمه نسبت می‌دهید و امامان را همچون خداوند همه جا حاضر و ناظر می‌دانید و در دعا‌های خود آنها را صدا می‌کنید، پس با این عقایدی که شرک است می‌خواهید با مسلمین دیگر اتحاد داشته باشید؟ البته ما نمی‌خواهیم بگوئیم: مسلمین دیگر هیچگونه خطا و اشتباهی ندارند، ولی داشتن شرک مسئله‌ای جداست و همچنین لعن و نفرین بزرگان دینی مسلمین با ایجاد وحدت با آنها در تضاد است.

۱- همه شیعیان می‌دانند که منظور از لعن اشخاصی که نامشان در زیارت عاشورا نیست همان ابوبکر و عمر است (اولی و دومی) و البته شیعیان لطف کرده‌اند و برای حفظ وحدت اسلامی فقط نیت می‌کنند و اسم کسی را بر زبان نمی‌آورند!!!

اقلیت‌های مذهبی

اگر شما خواننده‌ای شیعی مذهب باشید شاید خیلی به وجود اقلیتهای مذهبی توجه نداشته باشید، ولی لازم است بدانید پس از روی کار آمدن روحانیون متعصب شیعی (البته احتمال وجود تعصب در رهبران و آخوندهای هر مذهب بیشتر است و این طبیعی است) اقلیت اهل سنت در ایران زیر فشار زیادی قرار گرفته‌اند و البته به هیچ عنوان اخبار آنرا به گوش شما نمی‌رسانند و جلوی روی شما و پشت تلویزیون مدعی ایجاد هفته وحدت هستند، ولی از آن طرف مساجد اهل سنت را تخریب می‌کنند تا فضای سبز بسازند، مثل مسجد شیخ فیض محمد مشهد یا مسجد بجنورد و مساجد دیگر ایشان که خودتان می‌توانید در مورد آنها تحقیق کنید و البته روحانی تشیع صفوی فقط و فقط با اهل سنت سر جنگ و دشمنی دارد و گرنه اقلیت‌های دیگر همچون مسیحیان، ارامنه و یهودیان به راحتی زندگی می‌کنند و کلیسا و کنیسه دارند. کلیسای مسیحیان و ارامنه در محله جلفای اصفهان هنوز هم سالم و پا برجاست و کسی هم با آن کاری ندارد البته ما هم نمی‌خواهیم کسی با آن کاری داشته باشد ولی فکرش را بکنید اگر در اصفهان یا کاشان یا تهران که شهرهایی کاملاً شیعه نشین هستند یک مسجد برای اهل سنت بود (که نیست، دقت کنید که تعداد زیادی از برادران اهل سنت افغانی مدت ۳۰ سال در این شهرها زندگی می‌کردند) مردم و آخوندها چها که نمی‌کردند و حتی در مشهد که دارای اهل سنت هست آن مسجد را تخریب کرده‌اند و اهل سنت در شهرهای خودشان هم راحت نیستند^۱، و می‌بینی که دائم در زاهدان یا کردستان جنجالی بر پا می‌شود یا علما و

۱- در یک فیلم امامزاده‌ای را دیدم که نشان می‌داد این امامزاده دارای شجرنامه‌ای نمی‌باشد و سندیت ندارد، ولی جالب بود که روی همان امامزاده را ساختمان زیبایی ساخته بودند و من با خود گفتم: یک امامزاده جعلی در کشور ما هیچ اشکالی ندارد و روی آنرا می‌سازند ولی مساجد اهل سنت تخریب می‌شوند و مسجد ضرار

اشخاص سنی را اعدام و ترور می‌کنند، و البته این خیلی هم عجیب نیست چون شیعه صفوی تنها با اهل سنت دشمن است، چرا؟ چون عمری هستند!!، چون ولایت ندارند!!، چون درب خانه فاطمه را آتش زده‌اند!!، چون دست به سینه نماز می‌خوانند!! و... ولی مسیحیان وجوه مشترک زیادی با شیعیان صفوی دارند، مثل شیعیان، غیر خدا را صدا می‌زنند (یا عیسی مسیح و یا مریم مقدس) مثل شیعیان که امام حسین را شفیع روز قیامت می‌دانند عیسی مسیح را شفیع روز قیامت می‌دانند. کشیشهایشان مثل آخوند شیعه پول (خمس و پول ریختن توی امامزاده‌ها و...) می‌گیرند و لقب روحانی دارند و گناه را می‌بخشند و مثل شیعیان روی قبور را تزئین می‌کنند و شمع روشن می‌کنند، مثل غلو کردن شیعیان در مورد امامان، آنها هم در مورد حضرت عیسی غلو می‌کنند (پسر خدا) و حتی در تاریخ می‌خوانید که در زمان صفویه یا هم اکنون نیز مسیحیان سفره ابوالفضل می‌اندازند و برای حضرت عباس نذر می‌کنند و عزا می‌گیرند، چرا؟ چون در ذهن بیننده شیعه اینطور بیندازند تا با خود بگویند: ببین حتی این فرد مسیحی هم به اهل بیت و ابوالفضل معتقد است ولی این بد سنی‌ها اینطور نیستند!!، آن مسیحی اگر خیلی به اهل بیت معتقد بود می‌آمد و مسلمان می‌شد، البته مسلمانی واقعی نه مسلمانی که مثل خودشان به دنبال من دون الله باشد و برای غیر خدا نذر و نیاز کند و سفره بیندازد و به نام اسلام، هزاران بدعت را انجام دهد. پس سیاست دوستی با مسیحیت و دشمنی با اهل سنت از زمان صفویه بوده و هم اکنون نیز می‌باشد و البته به خاطر وجود رسانه‌ها کمی دست آخوندها بسته شده و گرنه به طور علنی عمر کشون می‌گرفتند و اصلاً به وحدت عقیده‌ای نداشتند. هفته وحدت را هم برای گول زدن شما مردم ساده گذاشته‌اند و شما مردمی که تا آنجا که من می‌دانم خودتان نیز خیلی با اهل سنت خوب نیستید و به آنها توجهی ندارید و اگر هم ظلمی علیه آنها ببینید ساکت خواهید بود یا بعضاً خوشحال هم

هستند، در صورتیکه روی قبور پیامبران و امامان واقعی هم نباید بنایی ایجاد کرد و این مخالف با اسلام است ولی چه باید کرد که در ایران دکانداران مذهبی همه کاره شده‌اند.

می‌شوید، در صورتی که روایتی به این معنا آمده است که: «چنانچه شخصی بگوید: ای مسلمان به فریادم برس و شما توجهی نکنید، شما مسلمان نیستید». این سیاست از زمان شاه عباس ظالم شرابخوار نیز بوده، چون او بود که به هرات لشکر کشی کرد و چهار هزار تن از مردم سنی آنجا را قتل عام نمود و طلا و جواهرات آنها را غارت کرد، بعد هم با آن اموال غصبی به پیشنهاد علمای شیعه برای قبر امام رضا گنبد طلا ساخت تا مردم بروند و زیر گنبد غصبی زیارت جعلی بخوانند!! و غیرخدا را صدا کنند!! تا بیشتر صواب ببرند!! و امام رضا هم در سه جای قیامت به فریادشان برسد!! و آنها را بهشتی کند!! و جالب است که در سریالی تلویزیونی که از شاه عباس به نمایش گذاشتند چهره این مرد ظالم و شرابخوار را خیلی خوب نشان دادند به طوریکه هیچکس ناراحت نشود و حتی مردم او را بیشتر دوست داشته باشند. او که انواع بلاها را بر سر اسلام آورد و می‌بینی که دائم مردم می‌گویند: شاه عباس خدمات زیادی برای ما انجام داده است^۱، آری رئیس جمهور آمریکا و اسرائیل هم خدمات زیادی برای شهرهای خود انجام داده‌اند پس آیا این دلیل نیکوکار بودن و خوب بودن آنهاست، و اصلاً علت به وجود آوردن حکومت صفویه توسط انگلیسیها و غربیان این بوده که امپراطور بزرگ عثمانی که سنی بوده‌اند می‌رفته تا تمامی اروپا را تحت تصرف خود در آورد و خطر سقوط مسیحیت به وجود آمده بود که فوراً با مشورت کردن دولتی را از پشت سر عثمانی‌ها بر روی کار گذاشتند و این دولت صفوی نیز کار خود را با قتل عام مردم سنی در ایران شروع کرد، چون مردم در آن زمان در ایران از اهل سنت شافعی و حنفی بودند، و پس از استقرار این حکومت ننگین در ایران ناگهان از پشت به امپراطوری عثمانی خنجر زدند و جنگهای مختلف را با اهل سنت داخل و خارج به راه انداختند تا مبدا اسلام در جهان گسترش پیدا کند و مسیحیان در اروپا نجات پیدا کنند (همان مسیحیان که شاه عباس خیلی دوستشان داشت

۱- شاه عباس در تفرقه زدن میان شیعه و سنی و در واقع برای نابودی اسلام خدمات زیادی انجام داده‌است.

و روستای جلفا را در کنار اصفهان به آنها داد، فتامل)^۱ و وجود چنین دولتی در خاورمیانه بسیار به نفع غرب خواهد بود دولتی که زمینه اختلاف با بقیه مسلمین را در مذهب خرافی خود دارد. و از همه گذشته، این مذهب خرافی و تفرقه افکن را وارد سیاست و حکومت خود نیز کرده است. شاید مسلمین دیگر هم در نداشتن اتحاد و همبستگی با هم مقصر باشند ولی وجود این حکومت فرقه گرا نیز به این تفرقه بیشتر کمک می‌کند. شما ببینید این حکومت به اصطلاح اسلامی با کشورهای کمونیستی همچون چین، روسیه، کوبا و کره رابطه‌ای دوستانه دارد ولی با کشورهای عربی اهل سنت و مسلمان که در نزدیکی خودشان هستند خیلی روی خوش نشان نمی‌دهند و آنها را وهابی می‌دانند.^۲ نمی‌دانیم چرا در رابطه خود با کشورهای کمونیست دین خود را مد نظر قرار نمی‌دهند؟ و دین و سیاست را یکی نمی‌کنند؟، در آنجا فقط می‌چسبند به سیاست و می‌گویند: از لحاظ سیاسی با این کشورهای کمونیست رابطه داریم. در اینجا دیگر سکولار می‌شوند. پس از انقلاب به روی اسکناسهای ده تومانی عکس مدرس را انداختند و جمله او را نوشتند که دیانت ما عین سیاست ماست^۳ و سیاست ما عین دیانت ما، پس چرا در رابطه با کشورهای کمونیست سیاست شما عین دیانت شما نیست؟ در آنجا فقط سیاست است نه دیانت و این دو از هم جدا می‌شوند. آن وحدت سیاسی هم که با اهل سنت گذاشته‌اند^۴ به خاطر در اقلیت بودن شیعیان در منطقه است، چون به هر حال اکثر

۱- البته دیگر روستایی در کار نیست و محله جلفا جزء شهر اصفهان شده است و کلیسای آن نیز همچنان پابرجاست ولی مساجد اهل سنت تخریب می‌شوند.

۲- به این دلیل وهابی هستند که روی قبور ائمه بقیع را گنبد و بارگاه نمی‌سازند و میلیونها تومان خرج مردگان نمی‌کنند.

۳- البته بعضی در مورد این جمله به تمسخر می‌گویند: کلمه عین در واقع غیر بوده است.

۴- وحدت اینها با همه جهان سیاسی است نه دینی، چون این تحفه اثنی عشریه فقط نزد اینهاست که وارد حکومت هم شده و البته اختلاف زیادی حتی با خود اهل سنت دارد چه برسد به بقیه ادیان، بزرگان دینی اهل سنت را غاصب و ظالم دانستن و آنها را لعن کردن با ایجاد وحدت جور در نمی‌آید.

مرزهای ایران مردم سنی نشین هستند و کشورهای همسایه نیز بیشتر اهل سنت هستند و نمی‌توانند خیلی با آنها وارد جنگ و جدل شوند.

در اینجا ما چند سوال داریم، اگر سیاست شما عین دیانت شماست پس:

۱- چرا نام خلیج فارس را نمی‌گذارید: خلیج اسلامی یا خلیج مسلمین؟ مگر شما جمهوری اسلامی نیستید؟ چطور در اینجا با دیانت خود کاری ندارید و فقط جنبه سیاسی یا موارد دیگر را^۱ می‌گیرید؟

۲- چرا بر خلاف صریح قرآن در سال چهارم جنگ با عراق صلح نکردید؟

۳- چرا بر خلاف صریح قرآن با حکومت‌های کافر و کمونیسم چین، روسیه و کوبا و... رابطه تجاری و سیاسی دارید؟

۴- اجتهاد در برابر نص و مجمع تشخیص مصلحت نظام دیگر چه صیغه ایست؟

۵- قتلها و شکنجه‌های اداره اطلاعات مطابق با کدام آیه یا حدیث است؟

۶- جز تفرقه افکنی (پنهانی) در برابر آیات و روایات متعددی که از لزوم اتحاد و صلح میان مسلمین گفته چه کرده‌اید؟

۷- شعار اصلی دیانت شیعه در طول تاریخ عدالت بوده در این راستا چه کرده‌اید؟ و این تضاد طبقاتی شدید در جامعه نشانه چیست؟

۸- مهم‌ترین حوزه امر به معروف و نهی از منکر در حوزه سیاست است، پس چرا مخالفان شما می‌شوند: مرتد، محارب با خدا، مفسد فی الارض و زندان سیاسی یعنی زندانی کردن آمران به معروف در حوزه سیاست.

۱- بعضی وطن پرستان نیز بر نام خلیج فارس اصرار دارند و لازم است بدانید انگلیس و آمریکا و بقیه استعمارگران از وطن پرستی اینها چه سودهایی که نمی‌کنند و همیشه تنور اختلاف و تفرقه را در میان مسلمین روشن نگه می‌دارند. یکی به فارسی بودن خود می‌نازد و دیگری به عرب بودن خود. استعمارگران از روزی می‌ترسند که مسلمین جهان و مردم خاورمیانه این صحبتها را کنار بگذارند و همه بگویند: ما فقط مومن و مسلم هستیم و برادر و هموطن نه چیزی دیگر و البته تا بتوانند جلوی تحقق این امر را می‌گیرند.

۹- توبه و عذرخواهی و پذیرش اشتباه و انتقاد پذیری از موارد مکرر توصیه شده در دین است ولی کسی از شما چنین چیزهایی ندیده است.

۱۰- شما طبق روایات خود بر این عقیده‌اید که چنانچه شخصی اعلم وجود داشت و شما کنار نرفتید لعنت خدا بر شماست، پس آیا خودتان به این روایات عمل می‌کنید یا هر چیز تنها در انحصار خودتان است؟

شما خواننده گرامی توجه داشته باشید که رجال سیاسی کشور پاسخ‌های مسخره‌ای برای این سوالات دارند که هیچ یک قابل قبول نیستند. مثلاً در مورد اتحاد با مسلمین می‌گویند: ما هفته وحدت داریم!! در صورتیکه همه اینها سیاه بازی است و برای صحیح و زیبا جلوه دادن حکومت خودشان است نه به خاطر اهل سنت و ایجاد اتحاد، چون بسیاری از مردم آگاه می‌دانند که مساجد اهل سنت تخریب می‌شوند و همینطور اجازه چاپ کتاب و ترویج عقاید خود را ندارند، نه در تلویزیون، نه در روزنامه و نه در هیچ جای دیگر اجازه دفاع از خود را ندارند و چنانچه در جایی صحبتی هم بکنند از صحبت‌های معمولی و روزمره و عادی است نه اینکه در مورد خودشان و دفاع از عقایدشان باشد. شما شیعیان اگر خیلی به مذهب خود اطمینان دارید و آنرا بر حق می‌دانید باید اجازه دهید تا مردم صدای مخالفین شما را نیز بشنوند نه اینکه صدای آنها را سانسور کنید.

رابطه با جوامع بین الملل

حکومت ایران در رابطه خود با کشورهای دیگر از مسلمان گرفته تا غیر مسلمان موفق نبوده و البته این موضوعی طبیعی است چون حکومتی فرقه گرا می‌باشد. فرقه‌ای که پایه و اساس آن بر اختلاف و کینه و دشمنی و خرافات ریخته شده، وضعیت این فرقه در میان مسلمین دیگر روشن است و بارها وجود این اختلافات را در خاورمیانه و کشورهای همسایه نشان داده است. متأسفانه سیاستمداران و سردمداران در ایران مذهب خود را در هر موضوع و مکانی بروز می‌دهند و می‌خواهند هر چیزی را مذهبی و ولایتی کنند!! در ورزش، در سیاستها، در فیلمها و بعضی اوقات حتی در فساد. و چون دارای عقاید درستی نیستند بیشتر باعث خرابکاری می‌شوند. روش اینها از ابتدای انقلاب بر این بوده که انقلاب و ولایت فقیه را به کشورهای دیگر صادر کنند. فکرش را بکنید که ولایت و عقاید تشیع صفوی بخواهد وارد کشورهای اهل سنت بشود، لابد باید مردم اهل سنت زیارت عاشورا هم بخوانند و روی قبور را هم گنبد بسازند تا ولایت خوبی داشته باشند. نظیر همین تفکرات احمقانه بوده که باعث درگیری در خلال مراسم حج شده است و در آنجا نیز می‌خواسته‌اند تظاهرات به راه بیندازند و اصلاً به قوانین یک کشور توجهی نمی‌کنند. البته کشورهای عرب منطقه هم خیلی با ایرانیان میانه خوبی ندارند، روابطی هم که دارند بیشتر به خاطر سیاستهاست و حالتی دیپلماتیک دارد^۱ نه اینکه واقعاً دوستدار شما باشند، و البته آیا خود شما چنانچه حکومتی در همسایگی ایران بود که

۱- در این کشورها دین و سیاست یکی نیستند و برای همین سیاستمدار آنها می‌تواند با هر کشوری که خواست رابطه دیپلماتیک ایجاد کند.

خوارج^۱ آنرا اداره می‌کردند چه می‌کردید؟ مطمئن باشید وحدت و دوستی با آنها نداشتید و حتی به آنجا لشکرکشی هم می‌کردید^۲. پس وقتی شما ابوبکر، عمر، عثمان و عایشه و خیلی دیگر را لعن می‌کنید و از آنها متنفر هستید آنوقت انتظار دارید مردم آن کشورها که سنی هستند با شما خوب باشند؟! یا مدال افتخار به شما بدهند؟! در اینجا مطمئن باشید دین شما روی سیاست شما تاثیر می‌گذارد و البته خود شما هم بر این امر پافشاری دارید که دین و سیاست ما با هم است. پس موضع کشورهای مسلمان منطقه با ایران تا حدودی مشخص شد، وحدت و دوستی ایشان نیز بیشتر حالتی سیاسی، ظاهری و پوسته‌ای دارد نه اینکه واقعی و قلبی و ریشه‌ای باشد^۳، و چنین وحدت و دوستی در منطقه ثباتی نخواهد داشت، و هر لحظه بیم آن می‌رود که توسط باند صهیونیست، از بین برود. البته سیاست غرب و یهودیت بر این بوده که خاورمیانه را چنین کنند چون منطقه‌ای استراتژیک، نفت خیز و مهم است و بارها نمونه این جنگ و جدلها را در این منطقه دیده‌اید، جنگ ایران با عراق یا جنگ شیعه و سنی در عراق یا در پاکستان و بقیه کشورها. رابطه ایران با خود غرب و اروپا نیز معمولی به نظر نمی‌رسد، سیاستی که سی سال است می‌گوید: اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود، سی سال است تظاهرات و راهپیمایی می‌کنند^۴. یکی نیست بگوید: مگر شما نمی‌گوئید اسرائیل باید محو شود،

۱- تازه خوارج فقط با علی دشمن هستند ولی شما با زنان پیامبر و خلفا و بسیاری از صحابه و حتی خود اهل سنت دشمنی دارید.

۲- شاه عباس که خیلی مورد توجه شماست حتی به شهرهای اهل سنت حمله می‌کرده پس خوارج دیگر تکلیفشان روشن است و اصلاً نباید به دنیا بیایند. البته از نظر ما خوارج امروزی و خوارج واقعی خود این آخوندها و مداحان و متعصبین احمق هستند وگرنه خوارج زمان حضرت علی علیه السلام به امور دینی و نداشتن بدعت پایبند بوده‌اند.

۳- هیچ چیز برای دشمنان اسلام بدتر از ایجاد وحدتی واقعی و قلبی نیست، فتامل.

۴- علت حمایت دولت از این تظاهرات این است که به جهانیان بگویند: مردم هنوز هم ما را می‌خواهند و به خاطر ما به خیابانها می‌ریزند نه اینکه به خاطر مردم سنی فلسطین باشد چون سی سال است این تظاهرات برپاست و مردم فلسطین هم سودی از آن نبرده‌اند.

خوب بروید و آنرا محو کنید^۱، با شعار و ناسزا که کاری حل نمی‌شود. تازه دشمنی غرب و آمریکا را بر می‌انگیزد و چه بسا وجود همین دشمنی فرضی باعث بقا و استحکام بیشتر آنها شود. البته لابد سیاست چنین دستوری صادر کرده است که فعلاً فقط فحش بدهید و کاری نکنید تا زمانی که صلاح بود جنگی هم به راه بیندازیم. شما نمی‌دانید که چه منفعت‌هایی می‌تواند پشت یک جنگ قرار داشته باشد. حتی برای همین حکومت ولی فقیه می‌تواند سال‌های بیشتری باعث بقای آن شود. دوباره شهید آوردن و جانباز دادن و خانواده شهید و قبرستان درست کردن و فیلم و سریال ساختن و غیره... پس سیاست ایشان با جوامع دیگر را درک کنید. تا وقتی منافع آمریکا در جایی تامین باشد با آن دولت کاری نخواهد داشت و فحش و شعار دادن هم بی‌خود است و آمریکا یا اسرائیل هم از شعارهای شما صدمه‌ای نمی‌بینند. یک امر که در حکومت آخوندی بسیار جلوه می‌کند این است که دائم می‌بینی در منبرها و نماز جمعه‌ها و جلسات خود صحبت از دشمن و دشمنان می‌کنند. رهبر آنها دائم می‌گوید: دشمنان نظام، رئیس جمهور هم دائم می‌گوید: دشمنان ملت ما و همه دائم دشمن دشمن می‌کنند. ما نمی‌دانیم چرا اینها اینقدر دشمن دارند؟ چرا بقیه کشورها اینطور نیستند؟ مثل اینکه تمام کشورهای جهان فقط جمع شده‌اند تا نظام امام زمانی را تهدید کنند. لابد می‌خواهند جلوی ظهور مهدی را بگیرند^۲. البته دشمن تراشی نیز یکی دیگر از سیاستهای آخوندهاست، نظریه مومان جامعه شناس فرانسوی و همچنین اصل تز و آنتی تز هگل می‌گوید: هر انقلابی به خاطر تضاد با یک

۱- جالب است که حتی می‌بینیم بعضی مردم ابله می‌گویند: این فلسطینی‌ها سنی هستند و حقشان است که کشته شوند و اگر هم آنها جلوی اسرائیل نباشند اسرائیل به سراغ ما می‌آید پس همان بهتر که این جنگ در آنجا ادامه پیدا کند تا ما در اینجا راحت باشیم!!!

۲- اینها دائم در نماز جمعه و جاهای دیگر می‌گویند: اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود و در جاهای دیگر می‌گویند: ما می‌خواهیم نیروگاه اتمی بسازیم، بنابراین، می‌دانید چنانچه این نیروگاهها توسط حامیان اسرائیل منهدم شوند چند میلیارد خسارت به بار می‌آید؟ و هیچ فایده‌ای هم نداشته؟ چرا؟ چون عده‌ای احمق در ایران حکومت می‌کنند.

دشمن و نظریه ضد شکل می‌گیرد و به نظر ما بقاء آن انقلاب و حکومت به داشتن دشمن است، و اگر دشمنی نباشد ممکن است خود آن انقلاب دشمن عده‌ای شود و توسط آنها سرنگون گردد، به همین خاطر مرتب دشمن دشمن می‌کند. آمریکا و ابرقدرتهای جهانی نیز همینطور هستند و مرتب تروریست و دشمن دشمن می‌کنند و هر روز به بهانه‌ای جنگی به راه می‌اندازند چون با جنگ زنده‌اند و با صلح از بین می‌روند. پس شما مردم اینقدر ساده نباشید و فوراً گول این سیاست‌ها و حقه بازیها را نخورید و کمی عقل خود را به کار بگیرید. ملتی که نتواند خودش برای خودش تصمیم بگیرد اجانب و بیگانگان برایشان تصمیم می‌گیرند و هر روز نقشه‌ای جدید برایشان ترتیب می‌دهند. یک روز شاه را بیرون می‌کشند و آخوند را به خوردتان می‌دهند، یک روز دیگر هم آخوندها را می‌برند و وطن پرستان یا کسانی دیگر را می‌آورند و هر دم از این باغ بری می‌رسد. مطمئن باشید آمریکا یا کشورهای دیگر هیچگونه دلسوزی برای شما نخواهند داشت و تا وقتی خودتان عقلتان را بکار نگیرید وضع جامعه و کشورتان به همین شکل خواهد ماند و خوب نمی‌شود. باید آگاه باشید و فوراً به هر ندایی توجه نکنید، هر روز یکی را در خارج یا در داخل علم می‌کنند و غوغا به راه می‌اندازند و مردم هم مثل گوسفند به دنبال او می‌دوند. کمی فکر کنید و ببینید او چه کسی است؟ و چه کارهایی می‌خواهد بکند؟ و چه کسانی پشت سر او هستند؟ اگر روحانی است و سید است و یک پارچه نور است و در نجف است و... که دلیل بر ایده آل بودن او نیست. حتی چنانچه کراواتی و کت و شلواری باشد نیز همینطور است. نیازی نیست دوباره کورکورانه انقلاب کنید، بفهمید می‌خواهید چه کار بکنید، یک نفر نمی‌تواند برای کل کشور و برای همه کاری بکند. تمام شما باید به رشد عقلی و فرهنگی و دینی برسید تا جامعه‌ای ایده آل پیدا کنید و اینکار یک شبه صورت نمی‌گیرد. در مغز شما انداخته‌اند که امام زمان می‌آید و کارها را درست می‌کند تا مبادا شما حرکت و جنبشی به خرج دهید، در مغزتان انداخته‌اند که حکومت شما هیچ وقت سقوط نمی‌کند چون امام زمان

پشت آن است و البته شاه سلطان حسین صفوی نیز همین فکرها را می‌کرد و در اصفهان با خیال راحت نشسته بود تا افغان‌ها به آنجا رسیدند و کار را تمام کردند. آمریکا و اروپا از این می‌ترسند تا مبادا دوباره یک امپراطوری عثمانی تشکیل شود و اینقدر که از اتحاد مسلمین می‌ترسند از چیز دیگری نمی‌ترسند. خودشان معترفند که هر روز افراد بیشتری به دین اسلام ملحق می‌شوند و جمعیت مسلمین در اروپا (مثلاً فرانسه) و آمریکا رو به افزایش است، پس شما فکر می‌کنید بزرگان مسیحیت و سیاستمداران بیکار می‌نشینند تا کار از کار بگذرد. بهترین وسیله هم برای انهدام اسلام ایجاد تفرقه در مناطقی حساس چون خاورمیانه است. همان کاری که با روی کار آوردن صفویه صورت دادند و چه خوب هم موفق شدند، هم اکنون نیز همان راه را ادامه می‌دهند. سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن. فکر می‌کنید چرا کشورهای مسلمان را تکه تکه می‌کنند، برای اینکه هر جایی دست یکی باشد و قدرتی نداشته باشند تا غرب را تهدید کنند. لابد در آینده ایران را نیز تبدیل به ایرانستان می‌کنند و هر جایی را دست یک نفر می‌دهند. البته همه مسلمین جهان در برابر این امر مقصر هستند و کسانی که در بین صفوف مسلمین ایجاد شکاف می‌کنند بیشتر مقصر هستند و از همه بدترند و در واقع به خاطر وجود همین‌ها است که استعمارگران می‌توانند براحتی کار کنند و مسلمین را چپاول کنند.

شکی نیست که در ذهن روحانیون و حتی مردم عادی نوعی عرب ستیزی وجود دارد و دائم می‌بینی که به عربها طعنه می‌زنند و از آنها بیزاری می‌جویند ولی به نظر ما اینها با عربها دشمنی ندارند بلکه با اهل سنت دشمن هستند و در واقع یعنی با عربهای سنی دشمن هستند، و اگر بپرسید: چگونه این سخنان را می‌گویی؟ در جواب می‌گوییم: برای اینکه آخوندها و دولت ایشان با حزب الله لبنان خوب هستند در صورتیکه لبنانی‌ها عرب هستند یا با شیعیان در عربستان خوب هستند و در سفر حج به دیدن مسجد شیعیان می‌روند، یا با شیعیان عراق خوب هستند، پس با عربها بد نیستند بلکه با اهل سنت مشکل دارند.

آری، وقتی فرقه‌ای خرافی و تفرقه‌زا وارد عرصه سیاست بشود بهتر از این نمی‌شود. شاید چنانچه این آخوندها در گوشه همان حوزه‌ها و حجره‌های خود می‌ماندند باز کمتر باعث خرابی می‌شدند.

فراموش نکنید ناسیونالیست‌هایی که در بیرون از مرزهای ایران با دولت و روحانیون مخالف هستند و دارای روحیه‌ای تند و افراطی در ایران پرستی هستند و در فارسی بودن و احترام به شاهان ایرانی مرتب سخنوری می‌کنند و حتی برخی مخالف با اسلام هستند، چنانچه این افراد برای حکومت کردن باین صد پله بدتر از آخوندهای فعلی عرب ستیزی می‌کنند^۱، و ممکن است با کشورهای عرب در منطقه ایجاد اختلاف و تفرقه کنند. البته سیاست انگلیسی^۲ چنین است که در منطقه حساس خاورمیانه دولتی باشد که زمینه اختلاف با کشورهای منطقه را داشته باشد و دولتی نیاید که بخواهد با اهل سنت و کشورهای عرب ایجاد همبستگی و دوستی کند، چون ممکن است دوباره یک امپراطوری عثمانی جدید شکل بگیرد و برای غرب ایجاد خطر کند.

به یاد داشته باشید کسانی که که دائم و به صورت افراطی بر این عقیده‌اند که زبان عربی را به کل از میان مردم ایران بر داریم و فقط فارسی را پاس بداریم^۳، در واقع می‌خواهند مردم را با زبان دینشان بیگانه کنند و از این طریق بیشتر به گمراهی عوام کمک کنند و در واقع اینها هم عرب ستیز و هم اسلام‌گریز هستند.

۱- چون همانطور که گفتیم دشمنی آخوندها بیشتر با اهل سنت عرب است نه با خود عرب چون به هر حال خود سیدها یا اهل بیت یا خیلی از شخصیت‌های شیعی، عرب هستند ولی ناسیونالیست‌ها با کل عرب مشکل دارند.

۲- سیاست انگلیسی، سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن می‌باشد.

۳- موردی که در هر دو طرف ماجرا (رجال داخلی و وطن پرستان خارجی) وجود دارد اصرار بر نام خلیج است و دائم شعار می‌دهند خلیج تا ابد فارس!! در صورتیکه بهترین نام برای خلیج مربوطه نام زیبای خلیج اسلامی یا خلیج مسلمین است.

کسانیکه دائم به تاریخ گذشته ایران فخر فروشی می‌کنند و دائم می‌گویند ما تمدنی غنی داشته ایم و بزرگترین امپراطوری بوده ایم و کوروش بزرگ و منشور ملل داشته ایم^۱ و غیره... به اینها باید گفت: الان چه دارید؟ الان چه هستید؟ الان دارای چه فرهنگی هستید؟ الان قدرت دارید یا زیر استعمار هستید؟

اینها باید بفهمند گذشتگان هر چه کرده‌اند برای خودشان بوده و فخر فروشی دائم به اعمال آنها سودی ندارد و در واقع همان روش شیعه می‌شود که از صبح تا شام فقط از فضایل اهل بیت صحبت می‌کنند ولی خودشان ذره‌ای عمل نمی‌کنند، حضرت علی علیه السلام هر کاری کرده برای خودش بوده و ربطی به شما ندارد، شما اگر راست می‌گوئید مانند او شوید نه اینکه دائم سرگرم بزرگان دین شوید.

لابد چنانچه وطن پرستان افراطی و دوستداران کوروش و داریوش در ایران بر سر کار بیایند باید از صبح تا شام بنشینیم و فقط و فقط از فضایل کوروش و داریوش صحبت کنیم^۲. نمی‌دانم چرا مردم ایران نمی‌توانند راه اعتدال را پیش بگیرند؟ و حتماً باید

۱- خیلی از این وطن پرستان ورود اسلام به ایران را علت نابودی آن تمدن‌ها می‌دانند و دائم می‌گویند: عربها به ما حمله کردند!! در صورتیکه حملات اولیه از سوی شاهان ایرانی بوده و مردم ایران نیز خودشان اسلام را قبول کردند نه اینکه مجبور شده باشند و در کشور چین بیش از ۵۰ میلیون مسلمان وجود دارد و آیا کسی به چین حمله کرد؟ شرایط آن زمان همچون زمان فعلی است که مثلاً مردم ایران از دست حکومت خود ناراضی هستند و چنانچه ایران با کشوری جنگ به راه اندازد و آن کشور پیروز شود و مردم ایران را نجات دهد مردم نیز بطور حتم به حکومت خود کمک نمی‌کنند. در زمان شاهان ایرانی نیز همینطور بوده و اختلاف طبقاتی شدید و ظلم و ستم فراوانی بوده، ولی مردم می‌دیدند که در اسلام بلال سیاه پوست با سفید پوستان دیگر برابر است و همینطور عدالت حکمفرماست نه ظلم شاهان مستبد، برای همین به سمت اسلام رفتند و اگر اشخاصی هم دست به قتل و کشتار زده‌اند اشتباه کرده‌اند و این ربطی به اسلام ندارد و در جنگ حلوا قسمت نمی‌کنند بلکه می‌کشند.

۲- البته شکی نیست که آخوندها شخصیت‌های بزرگی چون کوروش را به جوانان معرفی نکرده‌اند و اصولاً در شناخت فرهنگ اصیل ایرانی به جوانان بی‌همت بوده‌اند و منظور ما نیز از بیان این مطالب بی‌توجهی به

در افراط و تفریط باشند. از نظر ما باید اشخاص را رها کرد، بزرگ‌ترین بدبختی جامعه ما این است که همیشه دنباله رو اشخاص هستند و هر روز یکی را بت می‌کنند. یک روز اهل بیت و حضرت عباس را می‌خواهند و روز دیگر کوروش و داریوش را می‌خواهند و البته هر ملتی به هر چه بخواهد می‌رسد و مطمئن باشید چنانچه جوانان و مردم، ناسیونالیست‌ها را بخواهند آنها نیز براحتی بر سر کار می‌آیند. ولی ملت ما بدانند اینها هیچ کدام فایده‌ای ندارند و دردی را دوا نمی‌کنند و تا وقتی که خودتان به فکر خودتان نباشید هیچ کس برایتان کاری نمی‌کند و برای اصلاح و پیشرفت جامعه باید تک تک افراد از همان کودکی دارای فرهنگ غنی شوند نه اینکه مرتب بخواهند سران حکومتی را عوض کنند و هر روز مسخره دست سیاستمداران شوند. همانطور که در شبکه‌های ماهواره‌ای مشاهده می‌کنید ناسیونالیست‌ها و وطن پرستان افراطی دارای اسلام درستی نیستند و خیلی از آنها اصلاً با اسلام مخالف هستند^۱ و به طور علنی نیز می‌گویند و یا خردگرایان بی‌دین هستند و یا اهورا مزدا را می‌پرستند و آنهایی هم که به طور علنی با اسلام مخالفت نمی‌کنند به خاطر این است که نمی‌خواهند مردم را از دست بدهند، ولی خیلی از آنها صریحاً از قرآن عیب جویی می‌کنند و طعنه می‌زنند و یا به پیامبر اسلام تهمت می‌زنند. پس هدف چنین اشخاصی ریشه کن کردن اسلام است و چنانچه در ایران بیایند مطمئن باشید کشور ایران در عرب ستیزی و اسلام‌گریزی رتبه اول را پیدا می‌کند.

اگر آخوندها با اهل سنت مشکل دارند آنها با کل اسلام و عرب مشکل دارند، اگر آخوندها اهل بیت را پرستش می‌کنند آنها نیز کوروش و داریوش و کاوه و بابک را

کوروش یا دیگران نیست بلکه حتی معتقدیم که می‌بایست جوانان را با تاریخ ایران آشنا کرد ولی سرگرم شدن به این امور و افراط و تفریط در هر کاری مضر و بی‌ثمر است.

۱- یکی از عوامل تشدید این بی‌دینی در بین وطن پرستان یکی شدن دین با خرابکارهای حکومت و آخوندها است که متأسفانه این انحرافات و فساد و خرابی را به گردن دین اسلام می‌اندازند نه به گردن خرافات و فرقه بازی‌ها و سیاست خراب.

می‌پرستند، اگر آخوندها مذهبی منحرف دارند آنها اصلاً مذهب و دین ندارند^۱ و یا زرتشتی هستند یا بی‌دین خردگرا هستند (شما بخوانید کافر احمق)، اگر آخوندها تحمل شنیدن حرف حق را ندارند آنها نیز همینطور هستند و فقط حرف خودشان را به کرسی می‌نشانند، اگر آخوندها قبر پرستی می‌کنند و امامزاده و ضریح می‌سازند، آنها نیز تخت جمشید و پاسارگاد را می‌پرستند و قبر کوروش را می‌سازند.

البته توجه داشته باشید ما با وطن دوستی مخالفتی نداریم بلکه با کسانیکه وطن دوستی و ایرانی بودن را با داشتن اسلام مغایر می‌بینند مخالف هستیم و دائم نیز دم از نژاد و سرزمین خود می‌زنند و راه ناسیونالیستها را در پیش گرفته‌اند که از نظر ما در اشتباه هستند و گرنه ما در داخل و خارج از کشور خود وطن دوستان متدین و خوبی داریم.

بنابراین، آخوندهای تشیع صفوی و دکانداران مذهبی و همچنین وطن پرستان افراطی و ضد اسلامی همگی بیخود هستند و ما هیچکدام را قبول نداریم.^۲

در اینجا نتیجه می‌گیریم که ای ملت خواب تا خودتان به فکر خودتان نباشید اینها برایتان کاری نمی‌کنند و هر روز بازیچه دست گروهی می‌شوید در قرآن در سوره رعد/۱۱ آمده: ﴿لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿۱۱﴾ [الرعد: ۱۱].

۱- این وطن پرستان اسلام گریز معنای هنر و هنرمند را به ما نشان دادند، هر زن خراب، فاسد، رقااص و فاحشه‌ای در میان آنها جزء هنرمندان درجه یک است!!

۲- از نظر ما این وطن دوستی نباید به افراط و فخر فروشی و سرگرم شدن مردم به آن بینجامد و حالتی ناسیونالیستی به خود بگیرد و مسلمین جهان نیز می‌بایست به سمتی حرکت کنند که این مسائل را کنار بگذارند و همه هموطن باشند. از نظر ما مطرح کردن دائم این مسائل بچه گانه و حتی مضر می‌باشند و بیشتر به نفع ابرقدرتهای جهانی است.

«برای هر چیز پاسبانها از پیش رو و پشت رو و پشت سر برگماشته که به امر خدا او را نگهبانی کنند و خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانیکه خود آن قوم حالشان را تغییر دهند و هرگاه خدا اراده کند که قومی را به بدی اعمالشان عقاب کند هیچ راه دفاعی نداشته و هیچکس را جز خدا یاری آنکه آن بلا را بگرداند نیست»^۱.

۱- فراموش نکنید عده‌ای که می‌گویند: قدما و مفسرین از این آیه چنین برداشتی نکرده‌اند کاملاً در اشتباه هستند، چون در تاریخ طبری همین آیه را از قول اشخاصی آورده که آنها نیز از این آیه همین منظور را داشته‌اند و البته معنای خود آیه نیز روشن است.

وضعیت خرافات مذهبی

قبل از انقلاب خمینی و آخوندها دائم اسلام اسلام می کردند و می گفتند: اسلام در خطر است، و همه می گفتند: چنانچه او بیاید چه اسلامی که بر پا نمی کند و حتی عده‌ای از روشنفکران نیز خوش بین شدند که با آمدن او جلوی خرافات گرفته خواهد شد. ولی همه دیدند علاوه بر اینکه جلوی خرافات گرفته نشد بلکه روز به روز بر خرافات افزوده شد و در واقع انقلاب ایران برای خرافیون و دکانداران بسیار خوب شد نه برای روشنفکران. چاه جمکران همچنان به کارش ادامه داد و تزئین قبور مردگان بیشتر شد و هر آخوندی هر مزخرفی که بخواهد بالای منبرها می گوید. لازم به تذکر است که این نان و دکان را صفویه برای آخوندها و سایه‌های خدا! دست و پا کرد و به خاطر همین موضوع است که خمینی و آخوندها با کسانی چون شریعتی که دشمن صفویه هستند میانه خوبی ندارند بلکه حتی از چنین روشنفکرانی متنفر هستند، چرا؟ چون مثلاً در کتب این روشنفکران به جناب مروج الخرافات مجلسی توهین شده است یا ماهیت واقعی شاهان صفوی و روحانیون صفوی را نشان داده‌اند و خمینی هم که شاگرد مجلسی است و صفویه را خیلی دوست دارد و لابد جزء آبا و اجداد او هستند، می آید و فوری می گوید: کسانی که علیه مجلسی حرفی می زنند نمی فهمند و از آنطرف نیز دستور می دهد کتابهای شریعتی را از داخل سپاه جمع کنند و برآستی چرا سپاه؟ چون فرد سپاهی باید در جهل کامل بماند!! و به هیچ عنوان ذره‌ای عقل و شعور دینی پیدا نکند! چرا؟ چون هر کاری به او گفتند فوراً انجام دهد و پاسدار نظام جمهوری اسلامی و

پاسدار تنها سایه خدا روی زمین باشد!!^۱ اینها ادامه دهنده همان راه صفویه هستند و اگر هم از علوی بودن دم می‌زنند در واقع تشیع صفوی هستند در لباس علوی^۲. البته صفویه سالهای بسیاری حکومت کرد و عاقبت هم سقوط کرد، چون حکومت ظلم و ستم پایدار نخواهد ماند.

همه مردم نیز بطور شدیدی بر این باور بودند که خمینی حتماً تا ظهور مهدی صاحب الزمان زنده می‌ماند^۳، و اصلاً این انقلاب و کشور ایران پایگاهی خواهد بود برای قیام امام زمان و مبارزه با ظلم و بیداد و به خاطر همین عقاید و افکار دائم شعار می‌دادند: خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار!! ولی پس از مرگ خمینی کسی ذره‌ای فکر نکرد یا حتی شک نکرد که پس چرا امام زمان ظهور نکرد؟!.

متأسفانه مردم ما مردم امام زمانی هستند و نشسته‌اند تا امام زمان بیاید و کارها را سامان بخشد و خودشان علیه فساد اقدامی نمی‌کنند و دولت خود را نیز نایب همان مهدی می‌دانند و فکر می‌کنند هر کاری دولت بکند صحیح است و سخن رهبران و مراجع تقلید هم مثل وحی الهی است و ما تنها می‌بایست منتظر ظهور مهدی باشیم تا کارها درست شود!! موضوعی است که در کتاب غائب همیشه غائب^۴ نیز آورده‌ام و آن

۱- به تازگی در بعضی کانالهای ماهواره‌ای مشاهده می‌شود که می‌گویند: فلان سردار یا درجه دار در سپاه به سمت ما آمده و به نظام پشت کرده است. آری وقتی کتابهای شریعتی را از داخل سپاه جمع کنید نتیجه آن احمق بار آمدن فرد سپاهی می‌شود و به راحتی جذب هر جایی خواهد شد و به خود شما نیز خیانت می‌کند.

۲- به نظر ما باید تشیع و تسنن را کنار گذاشت و همگی فقط اسلام داشته باشیم و مومن و مسلم بشویم و از شیعی گری و سنی گری دست برداریم، چون چیزی به نام شیعه و سنی وجود ندارد و در قرآن و اسلام همه مسلم و مومن هستند، حضرت علی شیعه نبوده و یا حضرت عمر سنی نبوده و چنین اسمهایی نداشته‌اند.

۳- مردم ما عکس خمینی را هم در ماه دیدند و کسی هم جرات نداشت منکر آن شود، این مردم در بت کردن اشخاص و رهبران خود نظیر ندارند.

۴- شیعیان می‌گویند: مهدی غائب همیشه حاضر است!! ولی من می‌گویم: غائب همیشه غائب است و یک کتاب به همین نام نوشته‌ام.

سودجویی حکومت و یا مردم تبه‌کار از مسئله مهدی است و لازم است دوباره آنها را بازگو کنم تا خواننده گرامی به عمق فاجعه پی ببرد:

یک مکبر^۱ که فردی تبه‌کار بوده است ادعا می‌کند که امام زمان را می‌بیند و می‌گوید شما مردم قادر به دیدن او نیستید چون مهدی از نظرها غائب است و این شخص حقه باز سجاده‌ای پهن می‌کرده و به مردم می‌گفته بیاید با امام زمان نماز جماعت بخوانیم و هم اکنون امام زمان روی این سجاده در حال نماز است و من رکوع و سجود او را می‌بینم و به شما اعلام می‌کنم و شما هم با اعلام من به رکوع و سجود بروید!!!!!!

در اینجا است که باید گفت:

خدایا آنرا که عقل دادی چه ندادی؟ و آنرا که عقل ندادی چه دادی؟

شد قیامت، امامت نیامد

شد قیامت، امامت نیامد	در سرت جز خلافت نیامد
آفتابی ز دانش در آمد	عمر جهل و جهالت سر آمد
در پی جهل و تقلید و تکرار	شیعه شد در جهالت سر آمد
ای برادر، خودت فکر خود باش	شد قیامت، امامت نیامد
گیرم آید اگرچه خیال است	باز سودی به حالت ندارد
هست قرآن امامی که زنده ست	نه امامی که افسانه آمد
عاقبت جز ندامت نماند	شد قیامت، امامت نیامد
خوب باش و ز اوهام شو پاک	سوی دوزخ شود نیت بد
عقل و ادراک داری به پاخیز	قبل از آنی که عمرت سرآید
در دلت جز عداوت نماند	شد قیامت، امامت نیامد

۱- مکبر شخصی است که در هنگام نماز جماعت با صدای بلند یا توسط بلندگویی ارکان نماز مثل تکبیر و رکوع و سجود امام جماعت را اعلام می‌کند تا مردمی که در حال نماز هستند خود را با امام جماعت هماهنگ کنند، البته همه مردم این موضوع را می‌دانند ولی ما برای احتیاط بازگو کردیم.

چون امام شما غائب آمد رفت نائب به جایش فقیه‌ی از فقاہت ولایت در آمد مطلقه شد ولایت چو شاهی زد عقبگرد جای ترقی خشت اول که کج رفت این شد جای قرآن مفاتیح آمد چون که قرآن روایت زده شد اصل رفت و گرفتار فرعیم اصل توحید باشد کجائی؟ این صفائی که دیدی دروغ است مثل تریاک تخدیر آنی است مثل گوساله سامری بود تو مشو ایمن از مکر آخوند کرد آخوند گمراه و خوارت در پی نفس دون چون دویدی در سرت جز جهالت نیامد

خمس حاضر شد و نائب آمد آمد آنجا به شکل و قیہی چون زمان ولایت سر آمد ملت از چاله آمد به چاهی لنگ شد هر دو پای ترقی تا خرافات مبنای دین شد نوبت رد و توجیہ آمد عقل رفت و حکایت زده شد مثل خر زیر آوار فرعیم قبر و گنبد ندارد صفائی دیو شرک است و افسار و یوغ است معجزه نیست این امتحانیست با صدائی که جادوگری بود مثل شیطان بود فکر آخوند بُرد آخر به دارالبوارت جای جنت به دوزخ رسیدی شد قیامت، امامت نیامد^۱

در ایران در میان عوام و مردم بیخبر وضعیت خرافات و تعصبات به قدری شدید است که اصلاً نمی‌شود با یک نفر شیعه خرافی در مورد عقاید مسلمین دیگر صحبت و بحث کرد و چنانچه مثلاً به یک نفر از ایشان بگویی: حضرت عمر انسان خوبی بوده است، فوراً می‌گوید: یعنی منظور تو این است که حضرت علی انسان بدی بوده است!!!

۱- ابیات از شاعر بی‌نظیر علیرضا حسینی است.

مذهب ما

مذهب ما شده کینه توزی
مذهب کینه و غصه و خشم
مذهب گوش، یعنی که اسمع
مذهب گوش، یعنی شنیدم
مذهب آه و افسوس و غصه
مذهب خمس، این فرع بی اصل
جای فکر و تعقل، تعبد
مذهب ساز ناساز در دین
کینه از روی یک مشت قصه
مذهب دشمنی با تسنن
مذهب داد و فریاد و توهین
مثل طوطی سزاوار تقلید
مذهب نذر و امید واهی
مذهب کینه توزی و نفرین
غصه از قصه‌هایی ندیده
مذهب جعل و تاویل و تحریف
مذهب شک و ترس و تقیه
مذهب با صحابه تبری
با همه اهل عالم، تولی

داستان غم و تیـره روزی
مذهب گوش نه مذهب چشم
مذهب چشم، یعنی که اقرأ
مذهب چشم، یعنی که دیدم
بهر چه؟ بهر یک مشت قصه
صیغه این فصل تاریک بی وصل
جای تحقیق، تقلید، لابلد
دوری از مسلمین، لعن و نفرین
مثل کودک ز هر قصه غصه
مذهب دین، برای تفتن
عاشق قبر و زاری و تدفین
مثل خر هر چه گفتند تایید
جای رفتن به راهی الهی
غصه از قصه‌هایی دروغین
نه کسی دیده و نه شنیده
مذهب مدح و تکفیر و تعریف
مذهب مرگ و حدس و بلیه
با یهود و مسیحی تولی
با هر آنکس که سنی تبری

قصه قهر خاله زنی‌ها
 آن هم از قصه‌ای خاک خورده
 زیر صد گونه تبلیغ، تحمیق
 در فرار از حقیقت به هر تیه
 زیر هر ظلم و رنج و بلیه
 شرک را جای الله، ترحیح
 دین و اسلام بر باد دادن
 رایگان دین و ایمان به شیطان
 مهر و تسبیح و اذکار بی حد
 یا که بر فرق سر تیغ شمشیر
 هر چه گفتیم تایید می‌کن
 گرچه آخوند، خود، راز کفر است
 دین الله را سَم شمایید
 طرز فکر شماها ترش بود
 احمقانه ولی گشته رایج
 بدترین نوع از هر بلائید
 بهترین یار شیطان شمایید
 کز سپاه مغول بر نیامد

مذهب منبر و خود زنی‌ها
 دشمنی روی دعوای مرده
 خالی از ذره‌ای فکر و تحقیق
 سفسطه مغلطه یا که توجیه
 مذهب انتظار و تقیه
 مذهب جای قرآن: مفاتیح
 جای مسجد به تکیه رفتن
 خر شدن پای منبر چه آسان
 مذهب قبه و قبر و گنبد
 یا علم یا کتل یا که زنجیر
 ای مقلد تو تقلید می‌کن
 شک نکن شک سرآغاز کفر است
 پیشوای جهنم شمایید
 دین الله، شیرین و خوش بود
 طرز فکر شما چون، خوارج
 منشاء دین گریزی شمایید
 دوست کور و نادان شمایید
 دوست خر، چنان ضربه‌ای زد

از توهم تا حقیقت

گفت شخصی: عمر بود کافر
غاصب بارگاه خلافت
قاتل فاطمه از سر کین
گفتم: ای دوست یک لحظه خاموش
زیر تبلیغ مداح، مژدی
بارگاه خلافت، خیال است
حرف تو کفر و وزر و وبال است
مست مثنوی خیالات خامی
گر عمر یا ابوبکر، بد بود
همنشین علی و محمد
آفرین بر محمد از اینکار
حاصل دسترنج محمد
به به از دست پرورده‌هایت
حاصل سالها رنج احمد
گر عمر، قاتل فاطمه بد

هم حسود و خشن هم مزور
دشمن اهل و بیت نبوت
عاشق تفرقه دشمن دین
در تعصب چرا می‌زنی جوش
زیر تقلید، چون ره سپردی
قصر و تخت و محافظ، محال است
چونکه مبناش، وهم و خیال است
اطلاعات تو چند نامی
نزد احمد که پاک است رد بود
قاتل و ظالم و غاصب و بد؟!
همنشینان او زشت و غدار!
عده‌ای آدم ظالم و بد!
جمله شیطان صفت در نهایت!
عده‌ای آدم ظالم و بد!^۱
ام کلثوم کی همسرش شد؟!^۱

۱- این عقیده شیعیان مبنی بر اینکه اصحاب رسول خدا ﷺ پس از رحلت او مرتد شده‌اند و دستور خدا را پیرامون جانشینی حضرت علی زیر پا گذاشتند و فقط ابوزر، سلمان، مقداد، عمار و چند تن انگشت شمار مومن مانده‌اند یعنی اینکه حاصل زحمات ۲۳ ساله پیامبر ﷺ و نزول وحی و فرشتگان فقط چند نفر شده است، و آیا با این عقاید یک نفر مسیحی می‌آید مسلمان شود؟ یا می‌گوید: این دین شما در زمان پیامبران هم موثر نبوده چه برسد به حالا که ۱۴۰۰ سال گذشته است.

که شود همسر قاتل مام؟
 که دهد دخترش را به قاتل؟
 عقل تو دست مداح احمق
 گر علی بود اول خلیفه
 در سقیفه که بودند؟ انصار
 مدح آنها به قرآن نمودار
 در سقیفه که بودند؟ انصار
 یکصد آیه به تمجید اصحاب
 مدح آنها به قرآن، نمودار
 جملگی کوردل، جمله بیمار
 یک شبه ناگهان ضد قرآن؟!
 نیست اندر سقیفه روایت
 نیست آنجا سخن از وراثت
 نه سخن از غدیر است و بیعت
 نه سخن از روایات جعلی
 بود علی مشورت ده به ظالم؟!^۲
 نیست علامه جهاله است این
 مستمعهای تو پر جهالت
 عقل تو بند قلاده‌ها شد

غافل غافل از لام تا کام
 عقل شیعه چرا گشته زائل؟
 حرف حق، تلخ شد تلخ شد حق
 کس نمی‌رفت اندر سقیفه
 در تخلف ز قرآن، علم‌دار؟!
 ناگهان یک شبه مثل کفار؟!
 جمله بیمار دل جمله مکار؟!
 آمده، شیعه خود را زده خواب
 جمله بیعت شکن، جمله غدار!
 جمله شیطان صفت جمله مکار!
 ناگهان یک شبه اوج عصیان؟!
 نه اشاره به یک نیمه آیت
 از احادیث پوچ از حماقت
 نه ز آیات قرآن رحمت
 نه خبر از احادیث فعلی
 ای که هستی ابوجهل عالم
 سینه‌اش غرق بیماری کین
 خالی از دانش و در ضلالت
 بعد از آن مثل گرگی رها شد

۱- ازدواج ام کلثوم دختر حضرت فاطمه با حضرت عمر در کتب شیعه ثبت شده است، کتبی همچون تاریخ یعقوبی، بحارالانوار، تهذیب الاحکام و کافی.
 ۲- شیعه معتقد است عمر هفتاد بار گفته: اگر علی نبود عمر هلاک می‌شد، پس یعنی علی دست کم هفتاد بار به عمر مشورت داده و به او کمک کرده است.

دور از واژه‌های خدا شد	منطق و مدرکت، فحش و نفرین
نام خود در تباهی نوشتی	حیف، چون راه تو راه شرک است
در تعصب، نفهمی حقیقت	جمله اصحاب جاهل، تو عالم
مولوی جاهل است یا که سعدی	یا که خیام یا ابن سینا
یا سنایی که عارف‌ترین است	یا شهاب الدین سهروردی
افتخار همه فخر رازی	شیعه شاه عباس هستی
می‌روی قعر دوزخ، عزیزم	دشمن روضه‌ام دشمن جهل
دشمن منبر و خود زنی‌ها	دشمن فرقه بازی، تعصب
دوست عقل و تحقیق و فکرم	دشمن جهل و خشم و دروغم

۱- جالب است که ایرانیان به وجود شاعران و دانشمندانی چون مولانا، سعدی، نظامی، جامی، فخر رازی و غزالی که همگی سنی بوده‌اند افتخار می‌کنند ولی ذره‌ای عقل خود را بکار نمی‌گیرند که چرا پس این افراد مانند ما شیعه نبوده‌اند؟ البته ما نمی‌گوئیم: کسی برود سنی شود بلکه می‌خواهیم کمی تفکر کنید. از نظر ما همه باید مومن و مسلم و موحد باشند و اسم شیعه و سنی اصل و اساس و واقعیت را تغییر نمیدهد، چه بسا شخصی به اسم اهل سنت کاری شرک‌آمیز انجام دهد در حالی که عقیده سنیان آن را مردود می‌شمارد ولی مشکل ما با شیعیان در اصل و اساس مذهب شرک‌آمیز است حالا اسمش هر چه می‌خواهد باشد.

دشمن اشک و رنگ سیاهم
 پیرو راه پاک نبی‌ام
 چون عمر، ساده و رک و عاشق
 چون علی عاشق اتحادم
 چون علی با خوارج بدم من
 خارجی کیست؟ دید تک بعدی
 خارجی کیست؟ آدم احمق
 خارجی کیست؟ دید گنجشکی
 دشمن شبهه مردان احمق
 گوش اینها به قرآن شده کر
 پس رها کن که اینها اسیرند
 چون بمیرند بیدار گردند
 چون قیامت شود شرمسارند
 در سرت بود فکر شفاعت
 کرد آخوند، گمراه و خواریت
 عقل را چون که تعطیل کردی
 در پی نفس دون، چون دویدی

اشعار فوق از شاعر بی نظیر و نویسنده متبحر استاد علیرضا حسینی است که در کتاب خود آلفوس این اشعار را آورده‌اند.

لازم به تذکر است که خمینی رهبر ایشان نیز مروج خرافات بوده و در کتابهای خود همچون کشف الاسرار انواع چرندیات را آورده^۱، و اینکه از امامان حاجت بخوایم و

۱- اگر می‌بینید خمینی کتاب‌های مطهری را قبول داشته دلیل بر ایده آل بودن مطهری نیست چون مطهری نیز هیچ یک از اصول و عقاید مذهبی مهم در تشیع را باطل نکرده و تنها بعضی از خرافات واضح را رد کرده و به

آنها را همه جا حاضر و ناظر بدانیم و غیره...

یک نمونه دیگر نیز این است که جناب خمینی مردم زمان انقلاب را از مهاجرین و انصار و اصحاب پیامبر ﷺ برتر و بهتر می‌دانسته!!^۱ اصحابی که در مدح آنها بیش از صد آیه نازل شده است و انواع شکنجه‌ها و سختی‌ها را در راه برقراری تعالیم اسلام دیدند، در جنگ بدر فقط ۳۱۳ نفر بودند که جلوی مشرکین ایستادند و پیامبر ﷺ در دعای خود گفت: خدایا، اگر اینها کشته شوند دیگر پس از این عبادت نمی‌شوی. آنوقت سینه زنان و زنجیر زنان و روضه خوانان در ایران که مروج صدها نوع خرافه و شرک هستند از یاران رسول خدا ﷺ بهترند!!.

خمینی در وصیتنامه خود می‌گوید: من با جرات مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله ﷺ و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین بن علی صلوات الله و سلامه علیهما می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله ﷺ مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند که خداوند تعالی در سوره توبه با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است. و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل در منبر به آنان نفرین فرمود.... (صحیفه انقلاب، وصیتنامه سیاسی الهی رهبر کبیر... آیه الله العظمی خمینی صفحه ۱۲، چاپ هشتم، بهار ۱۳۷۲، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ایران).

توجه داشته باشید ولی امر مسلمین جهان تفاوت منافقین با مسلمین را نمی‌فهمد و

قول معروف با احتیاط عمل نموده و به تمامی عقاید غلط لباس توجیه پوشانده است تا صحیح و امروزی جلوه کنند و دائم می‌بینی که حزب الهیان متعصب می‌گویند: روشنفکر فقط شهید مطهری!!! آری، شما به چنین روشنفکرانی احتیاج دارید که تمامی عقایدتان را قبول کنند.

۱- البته از یک رافضی که افکار صفوی هم داشته باشد بیشتر از این انتظار نمی‌رود و چنین شخصی اصلاً اصحاب پیامبر ﷺ را قبول ندارد بلکه آنها را مرتد و ظالم و غاصب می‌داند.

همه مسلمین صدر اسلام را در زمره منافقین آورده است. ملتی که رهبرشان این باشد دیگر چه انتظاری از مردم بیسواد و ساده می‌توان داشت.

تنها چیزی که برای آخوندها مهم است حفظ حکومت می‌باشد تا آنرا به دست مهدی صاحب الزمان برسانند و در تحقق این امر هر کاری می‌کنند، از اجتهاد در برابر نصوص شرعی گرفته تا قتل، آدمکشی، دروغ، تهمت و غیره...

آخوندها کاملاً مصلحت‌اندیش هستند و کاری نمی‌کنند که مردم علیه حکومت پیا خیزند، شما فکر می‌کنید چنانچه روزی مثلاً مردم به اهل سنت گرایش پیدا کنند^۱ و از عقاید خود دست بکشند در آن هنگام آخوندها چه می‌کنند؟ مطمئن باشید آخوندها برای حفظ حکومت خود با مردم مخالفت نمی‌کنند و حتی برعکس عمل می‌کنند و دست به تقیه می‌زنند و می‌روند بالای منبر و خطاب به مردم می‌گویند: ای مردم، ما هم اهل سنت را دوست داریم و با آنها وحدت داریم!! اصلاً امامت با خلافت دو مسئله جداگانه هستند و ما حضرت عمر را به عنوان خلیفه قبول داریم!! اصلاً می‌دانستید او داماد حضرت علی بوده و ام‌کلثوم دختر فاطمه زهرا همسر او بوده و این مطلب در کتب خود ما نیز می‌باشد، چه کسی گفته: ما خلفا را لعن می‌کنیم!! منظور از لعن در زیارت عاشورا هم اشخاصی دیگر هستند!! اصلاً در زیارت عاشورا آمده لعنت بر اول کسی که به محمد و اهل بیت ظلم کرد و اولین شخص ابولهب و ابوجهل بوده‌اند.

در واقع پیچ هر چیزی در دست خودشان است و به هر طرف که بخواهند تاب می‌دهند و به این ترتیب حکومت را برای خود نگه می‌دارند تا مردم شورش نکنند و در پشت پرده به سادگی مردم می‌خندند و با هم می‌گویند: ما دروغ گفتیم چون مجبور بودیم و در واقع تقیه و مصلح‌اندیشی کردیم تا حکومت را برای امام زمان نگه داریم!!

پس شما مردم با صحبت روحانی محله و مرجع تقلید و رهبر کشورتان کاری نداشته

۱- حتی شاید به مسیحیت یا بهائیت یا زرتشتی گرایش پیدا کنند و منظور من از اهل سنت تنها مثال زدن بود، وگرنه همین الان هم در ایران مسیحیان راحت‌تر هستند تا اهل سنت.

باشید چون ایشان به سختی گمراه هستند و آیا اگر آنها در چاهی رفتند شما هم به دنبال آنها می‌روید؟ خودتان راه تحقیق را بر گزینید و بدانید در اسلام طلب علم واجب است و پیامبر ﷺ فرموده: «طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». «طلب العلم فریضه علی کل مسلم»!

۱- لازم به تذکر است تقلید کورکورانه از رساله‌ها و طلب دلیل نکردن از مراجع دینی با تعالیم اسلام کاملاً در تضاد است، در اسلام تقلید نداریم و هرکس باید خود عالم به اصول و فروع دین باشد و می‌تواند از مراجع دینی سوال کند، یا از کتب مختلف تحقیق کند، نه اینکه فقط از یک نفر بطور کورکورانه اطاعت کند.

اجتهاد در برابر نص مجمع تشخیص مصلحت نظام

شیعه از ابتدای ظهور خود دائم به حضرت ابوبکر رضی الله عنه و حضرت عمر رضی الله عنه تهمت می‌زده که آنها در برابر نص اجتهاد کرده‌اند!^۱ و اولین اجتهادشان هم در سقیفه بنی ساعده بوده که در مقابل نص خلافت برای حضرت علی به اجتهاد و مقابله پرداختند و نگذاشتند حضرت علی جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله شود!! و عمر هم فلان امر دینی را در دوران خلافت خود تغییر داد و حلال را حرام کرد (مثلاً صیغه را!!) و او اولین بدعت گذار بوده و باعث تحریف اسلام شده است!!، حال می‌خواهیم بدانیم اکنون که حکومت به دست شما دلسوزان اسلام افتاده است چه کرده‌اید؟ و آیا در مقابل نصوص دینی اجتهادی نکرده‌اید؟

مجمع تشخیص مصلحت نظام: علت اصلی تشکیل این مجمع آن بود که شورای نگهبان قوانین مخالف شرع (قرآن یا سنت پیامبر) را که مجلس تصویب می‌کرد، رد یا اصلاح می‌کرد و به مجلس بر می‌گرداند، مجلس نیز در اکثر مواقع از نظر خود کوتاه نمی‌آید و به این ترتیب تمام امورات کشور معطل می‌ماند و کارها خراب می‌شد. خمینی با زیرکی خاص سیاسی خودش مجمع تشخیص مصلحت نظام را براه انداخت تا هرگاه قوانین بین مجلس و شورای نگهبان سرگردان ماند بنا به تشخیص خودش و ضروریات کشور و مصلحت و مقتضیات زمان، این قوانین خلاف شرع را تصویب کند. اکنون سوال اینجاست چطور این کارها بدعت و تحریف دین و اجتهاد در برابر نص نیست ولی دائم نشسته‌اید و به دروغ ۱۴۰۰ سال پیش را در بوق و کرنا کرده‌اید که چرا خلفا چنین و چنان کرده‌اند. به نام این مجمع توجه کنید که مجمع تشخیص مصلحت نظام است،

۱- حضرت علی رضی الله عنه به تواتر در سخنان و نامه‌های خود فرموده: آن دو (ابوبکر و عمر) به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل نمودند. ولی متأسفانه شیعیان توجهی به سخنان پیشوای خود ندارند و بیشتر به سخنان امثال مجلسی عمل می‌کنند.

منظورم کلمه نظام و مصلحت آن است، یعنی چه؟ یعنی چنانچه هر امری خواه امری شرعی و دینی باشد، خواه امری غیر دینی، چنانچه به مصلحت نظام خدشه‌ای وارد کند باید با آن مقابله کرد و چنین امری کاملاً جایز و حتی واجب است. حفظ نظام و سایه خدا! از هر چیزی واجب‌تر است، حتی از حج خانه خدا و همه مشاهده کردید که خمینی به مدت ۳ سال جلوی رفتن به حج و خانه خدا را گرفت. بنابر عقاید ولایت فقیه‌ی چنانچه حتی ایشان تشخیص دهند که مسجدی مسجد ضرار است^۱ می‌تواند دستور تخریب آنرا بدهد (البته بیشتر مساجد اهل سنت مسجد ضرار می‌شوند، چرا؟ چون در آنها تنها قرآن خوانده می‌شود نه مفاتیح الجنون) همینطور مسائل دیگر را چنانچه صلاح دید می‌تواند تغییر دهد. جالب است که هر تهمتی که آخوندها به ابوبکر و عمر زده‌اند همان کار را خودشان انجام داده‌اند و البته این درس روزگار است. دائم می‌گویند: چرا ابوبکر و عمر و سایر صحابه اینقدر در امر خلافت تعجیل کرده‌اند؟! و فوراً پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در سقیفه جمع شدند و دست به انتخاب جانشین زدند؟! و آیا اینقدر اوضاع آن زمان بحرانی بوده که نمی‌توانسته‌اند کمی صبر کنند؟!، ولی همه دیدند که پس از مرگ خمینی مجلس خبرگان فوری و در همان روز خامنه‌ای را جانشین او کرد، کسی نیست به اینها بگوید: چرا اینقدر عجله کردید؟ و آیا وضع اینقدر بحرانی بود؟ و می‌بینید که مرتب از مجلس خبرگان تعریف و تمجید هم می‌کنند و می‌گویند: آفرین بر این تصمیم به موقع آنها که فوری رهبری را برای ملت و جامعه انتخاب کردند و نگذاشتند مسلمین بدون ولی بمانند!!، و یا دائم می‌گویند: در زمان خلافت ابوبکر و عمر خفقان شدیدی حکمفرما بوده و کسی جرات نداشته صحبتی بکند ولی در کشور امام زمانی خودشان کسی جرات هیچگونه صحبتی علیه نظام را ندارد و خفقان به تمام معنا حکمفرماست. پس در واقع سایه‌های خدا! بر روی زمین کور خود هستند و بینای مردم.

۱- به نظر ما مسجد جمکران حکم مسجد ضرار را دارد و باید تخریب شود، همچنین امامزاده‌ها که جمعیت کثیری از مردم به جای رفتن به مسجد به آنجا می‌روند تا غیر خدا را بخوانند.

حفظ حکومت به هر طریق

مسئله مهم دیگر این است که سپاه و رجال حکومتی که طرفدار روحانیون و سایه‌های خدا هستند به هر طریقی که شده جلوی سقوط این نظام را می‌گیرند و اینکار را به هر طریقی که باشد انجام می‌دهند. از قتل و ترور مخالفین در داخل و خارج کشور گرفته تا ساختن زندان سیاسی و حتی دینی، چون سیاست ایشان عین دیانت ایشان است، و شما نمی‌توانید بگوئید: من فقط در مورد دین صحبت می‌کنم و با سیاست کاری ندارم، چون اینها دین را نردبان سیاست کرده‌اند و اگر کسی بخواهد این نردبان را بردارد یا تغییری در آن ایجاد کند نابودش می‌کنند و اجازه هیچ انتقادی را نیز به رسانه‌ها یا مردم عادی نمی‌دهند و خفقان ایجاد کرده‌اند، البته اشتباه نکنید در مورد فساد و بی‌بند و باری و اعتیاد با جوانان کاری ندارند، چرا؟ برای اینکه جوان مملکت به همان دختربازی و مواد مخدر سرگرم باشد و به فکر نیفتد که چه کسانی به نام خدا و اسلام بالای سرش حکومت می‌کنند، یا به فکر نیفتد که برود به دنبال اسلام واقعی. اینکه بعضی اوقات نیز طرح مبارزه با اراذل و اوباش می‌گذارند به خاطر این است که آن اراذل کمی از حالت عادی و استاندارد جهانی خارج شده‌اند و ممکن است جفتکی بیندازند و برای حکومت خطری ایجاد کنند، برای همین فوری جلوی آنها را می‌گیرند.

این تنها حکومت خدایی! برای حفظ خود حتی به دنیا و کشورهای دیگر باج می‌دهد تا بماند، چه می‌دهد؟ دلار، نفت، کمک به سوریه، اسلحه به حزب الله لبنان و مقتدا صدر در عراق، صدور گاز، برق و آبرسانی به حرمین شریف، ساختن گنبد و بارگاه طلایی در عراق و بعضی اوقات حتی جنگ و شهید و جانباذ دادن و... یکی نیست به اینها بگوید: در خود ایران هزاران گرسنه و بدبخت وجود دارد آنوقت شما به فکر گنبد تخریب شده سامرا هستید و برای آن اشک می‌ریزید و پول می‌دهید. البته همانطور که قبلاً هم اشاره

کردیم این سیاست ایشان است که مردم را در بدبختی نگه دارند تا مبادا به فکر انقلابی دیگر بیفتند.

و علت وجود تمامی این بدبختی‌ها و طرز فکرهای احمقانه به خاطر داشتن عقاید منحرف و خراب است. در ذهن تمامی افراد حزب اللهی، بسیجی و سپاهی و حتی بسیاری از مردم این است که تنها فرقه شیعه اثنی عشریه بر صراط مستقیم است و بقیه منحرف و غاصب خلافت علی هستند!! و این فرقه ایده آل و خدایی ما فعلاً تنها در ایران دارای حکومت و اقتدار شده و نائب امام زمان در آن رهبر و ولی فقیه شده تا وقتی که خود مهدی ظهور کند و ریشه تمامی مستکبرین جهانی را بکند!!^۱ و ایران را پایگاهی کند برای قیام خود!! پس ما شیعیان امام زمانی باید به هر نحوی که شده این حکومت را حفظ کنیم تا خود او ظهور کند و در آن موقع دیگر تمامی دنیا از آن ماست!! و همه باید سر تعظیم برای ما فرود آورند و ولایت ما سرتاسر دنیا را خواهد گرفت!!

خوب با وجود این افکار ابلهانه عجیب هم نیست که چنین روشهایی را در حفظ حکومت خود داشته باشند و خفقان ایجاد کنند و ولایت مطلقه بگذارند یا کارهایی غیر شرعی و خلاف انسانیت انجام دهند، چون در ذهن ایشان عقاید مسخره‌ای نهفته که تا بیرون نریزند اوضاع به همین شکل است و برای رسیدن به اهداف خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند و آنرا غیر انسانی یا خلاف شرع نمی‌دانند چون می‌گویند به خاطر حفظ نظام امام زمانی و خدایی اینکارها عیبی ندارد!! مثل وقتی که مسجدی از اهل سنت را خراب می‌کنند و می‌گویند: حالت مسجد ضرار را داشت یا وقتی دروغ می‌گویند به بهانه‌های مختلف چون تقیه، خدعه، مصلحت و...

بله، هیچ چیز بهتر از عقیده، انسانها را وادار به کارهای مختلف نمی‌کند، انسانها به خاطر عقیده حاضرند جان و مال خود را هم بدهند و یا انواع شکنجه و سختی‌ها را

۱- در ذهن شیعیان طوری انداخته‌اند که مهدی به هنگام ظهور بطوری عمل خواهد کرد و علم و قدرت دارد که موشکها و سلاحهای پیشرفته در مقابل او هیچ هستند!!!

تحمل کنند و مصیبت اینجا خواهد بود که این عقاید فاسد و تحریف شده باشند نه صحیح و درست.

دین نردبانی برای سیاست

شکی نیست که سایه‌های خدا و روحانیون گمراه برای اجرای سیاست‌های خود دین را نردبان کرده‌اند و اگر کارهای ایشان جنبه دینی و مقدس نداشت همان روزهای اول کارشان تمام بود.

فکر می‌کنید برای چه دائم خود را حامی اهل بیت و نایب امام زمان معرفی می‌کنند؟ برای اینکه دین امری مقدس است و در ذهن تمام مردم طوری انداخته‌اند که ما نماینده دینی هستیم، ما آخوند و حوزه رفته هستیم، شما مقلد ما هستید. پس در ذهن هیچ کس فکر مقابله و انتقاد از ایشان نمی‌آید و چنانچه کسی هم بخواهد صحبتی علیه آخوندها بکند می‌بینی که مردم نادان او را سرزنش می‌کنند و به او اجازه اینکار را نمی‌دهند. بدبختی ما این است که مردم تصور می‌کنند اینها نماینده اهل بیت و اسلام واقعی هستند و فوری ذهن مردم متوجه فاطمه زهرا و امام حسین و اهل بیت می‌شود و از مقابله با آخوندها سر باز می‌زنند و در دل خود از تقدس دروغین ایشان می‌ترسند. در صورتیکه اصلاً امام زمانی وجود ندارد که اینها بخواهند نایب او باشند و عقاید خرافی ایشان نیز ربطی به اسلام و اهل بیت ندارد و ساخته دست غلات و راویان جعلی است.

رجال حکومتی و روحانیون معتقد هستند که حکومت ایشان تحت نظر امام زمان است!! و مهدی باعث پیروزی انقلاب شده و خودش نیز حافظ این انقلاب خواهد بود!! و روی مراجع تقلید و روی ایران ولایت دارد!! پس مقصر اصلی این گرانی‌ها، تورم، فساد، انحراف و بی‌دینی که هر روز در جامعه رو به افزایش است امام زمان است. چون او روی ایران نظارت دارد و ظاهراً هیچ کاری برای بهبود وضع جامعه نمی‌کند، چون نیست که بخواهد کاری بکند ولی متأسفانه مردم ما نمی‌خواهند این حقیقت را بپذیرند و

آنقدر که روی امام زمان حساسیت دارند روی چیزهای دیگر چنین نیستند و آخوندها هم خوب فهمیده‌اند که روی چه چیزی دست بگذارند و روی همین مسئله وجود امام زمان است که پابرجا مانده‌اند و هر قدر هم که در جامعه خرابی صورت گیرد چون اینها تنها حکومت خدایی و نماینده تنها امام معصوم و باقی مانده از اهل بیت هستند بنابراین حق حکومت کردن دارند و مردم باید بقیه مشکلات را به نوعی تحمل کنند و کسی علیه نظام کاری نکند. و به این شکل دین را نردبان سیاست کرده‌اند، البته اینها دین نیستند و بهتر است بگوئیم: فرقه خرافی خودشان را نردبان سیاست کرده‌اند. هر کاری برای حفظ این نظام فرقه‌ای باید صورت بگیرد حتی مخالفت با نصوص شرع (مجمع تشخیص مصلحت نظام) و هیچ عذاب وجدانی هم ندارد چون همین مخالفت با شرع نیز از نظر ایشان شرعی می‌باشد.

حتی آخوندهای مخالف با نظام و ولایت فقیه نیز جایی ندارند و توسط دادگاه روحانیت محاکمه می‌شوند.

وقتی فرقه‌ای خرافی پایه سیاستی شود آنوقت آن حکومت به خود اجازه می‌دهد به جاهای دیگر نیز چشم طمع داشته باشد و بخواهد این تحفه خود را به همه جا صادر کند، به جاهایی چون عراق، سوریه و لبنان و یا به عربستان و البته مهمترین مکان یعنی به قبرستان بقیع!! برای چه؟ برای ساختن گنبد و بارگاه و ضریح برای ائمه مظلوم بقیع که در آنجا مظلومانه خفته‌اند!! و از وضع قبور خود ناراحت هستند!! یا به حرم تخریب شده عسکرین در سامرا!!^۱ و عتبات عالیات و... چون تنها مشکل اسلام و مسلمین نبودن گنبد و بارگاه روی قبور ائمه است!!

مردمی که از مقابله با حکومت اسلامی هراس دارند و هیچ کاری صورت نمی‌دهند مانند مردم کوفه در زمان امام حسین هستند و آنها هم از حاکم و خلیفه و حکومت به

۱- برآستی چرا امام زمان که به عقیده شیعه بر کون و مکان ولایت تکوینی دارد جلوی انهدام حرم عسکرین را نگرفت؟ بله، چون وجود ندارد تا جلوی کسی را بگیرد.

اصطلاح اسلامی یعنی یزید در ترس بودند و حسین را تنها گذاشتند، آنوقت خنده دار است که دائم شعار می‌دهند ما اهل کوفه نیستیم و برای امام حسین عزاداری می‌کنند. وقتی عقاید فرقه‌ای پایه و نردبان سیاست بشود در آن زمان هر مخالفتی با سیاست می‌شود ضد دین، محارب با خدا، مفسد فی الرض و ضد ولایت فقیه و در انتها زندان سیاسی، شکنجه، اعدام و ترور... حتی سیاستی که با استفاده از دین حالتی مقدس به خود گرفته و از اعتقادات مردم سوء استفاده می‌کند با این حربه و نقطه ضعفی که از ملت پیدا کرده هر کاری بخواهد می‌کند و حتی چنانچه بخواهد به جایی حمله کند یا مسجدی از مسلمین را خراب کند یا حج را ممنوع کند، فوراً دستور آنرا به مردم مذهبی می‌دهد و طوری وانمود می‌کند که این دستورات به فرمان خداست، چونکه نایب برحق امام معصوم و تنها جانشین بر حق رسول خدا ﷺ رهبری آنرا بر عهده دارد.

سیاستمداران در ایران از مذهب و حتی خرافات آن بهره برداری می‌کنند مثلاً یک نمونه از این سودجویی‌ها موضوع تاسف باری است و آن اینکه در جریان جنگ ایران با عراق در جبهه جنگ به هنگام نیمه‌های شب اسبی همراه با سوار خود از فاصله‌ای دور و از جلوی دیده گان عده‌ای از رزمندگان عبور می‌کرده است و آنها نیز فکر می‌کرده‌اند آن سوار امام زمان است، و این موضوع را برای بقیه رزمندگان تعریف می‌کرده‌اند و به این ترتیب همه خوشحال می‌شده‌اند که امام زمان به آنها توجه دارد و با اشتیاق بیشتری به خط مقدم جبهه یورش می‌برده‌اند و البته عده‌ای از رزمندگان این موضوع را قبول نداشته‌اند و تکذیب می‌کرده‌اند، تا اتفاقاً یک شب آن سوار و اسبش از جلوی یکی از همین رزمندگانی که این موضوع را قبول نداشته است می‌گذرد و آن رزمنده با ماشین خود او را تعقیب می‌کند و آن سوار با سرعت فرار می‌کند و به دل کوهی می‌رود تا در مخفیگاهش پنهان شود ولی بالاخره آن رزمنده آن سوار را دستگیر می‌کند و مشاهده می‌کند که او فردی عادی است و امام زمانی در کار نیست که در این هنگام ناگهان

اطلاعات سپاه سر می‌رسد و به آن رزمنده می‌گوید: سرت به کار خودت باشد و از این فضولی‌ها نکن!!!.

عملکرد نظام در این سی سال

در گذشته که رادیو، تلویزیون، روزنامه و رسانه‌های مختلف وجود نداشت انتظار زیادی هم از رهبران یک جامعه نمی‌رفت که بطور کامل و مقتدر بتوانند تمامی اعتقادات و دستورات و راهنمایی‌های خود را به گوش مردم برسانند و معمولاً نامه‌های خود را برای اوامر خود توسط پیک و چهارپا می‌فرستادند. اما در ابتدای انقلاب در ایران ۹۸ درصد از مردم به شما رای دادند، یعنی همه گوش به فرمان شما بودند، عزیزترین چیزشان یعنی جان و حتی بچه‌هایشان را دادند^۱، تمامی رسانه‌ها چون رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها، منبرها، مساجد، کتابها، آموزش و پرورش، کتب درسی، سینما و... در دست شما بوده و هست^۲، برای تعلیم و تربیت مردم چه کردید؟ چرا فرهنگ مردم اینقدر مبتذل شده؟ بسیاری نیز از دین‌گريزان شده‌اند و تقریباً همه دنیا دوست، مادی، تجمل‌گرا و رفاه طلب شده‌اند، جوانان هم به سمت ماهواره، فساد و اعتیاد رو کرده‌اند. نمی‌گوئیم: صد در صد، ولی آیا شما بی‌تقصیر هستید، با این همه امکاناتی که داشتید. اگر خودتان هم معترف هستید که هنوز پس از سی سال نتوانسته‌اید جامعه‌ای ایده آل درست کنید^۳، پس

۱- نمی‌دانیم امثال خمینی در آن دنیا چه وضعی دارند چون با آن پیروی شدیدی که مردم از او داشتند و همه گوش به فرمان او بودند به راحتی می‌توانست اسلام حقیقی را بر پا سازد و جلوی انحرافات مختلف را بگیرد ولی چنین نکرد بلکه بیشتر به ترویج خرافات و خرابی‌ها کمک کرد.

۲- مخالفین با نظام هیچ جایی در این رسانه‌ها ندارند و اگر روزنامه‌ای انتقادی کند فوراً تعطیل می‌شود که نمونه آن پس از انقلاب بوده است.

۳- همانطور که بارها از زبان رجال حکومتی ایشان شنیده ایم که هر موقع مهدی ظهور کند جامعه ما ایده آل واقعی می‌شود!! باید گفت: پس شما بروید تا وقتی مهدی آمد خودش جامعه را درست کند و البته این

بیجا کردید حکومت را در دست گرفتید. خنده دار اینجاست که دائم هم نشستند و به حکومت خلفا در ۱۴۰۰ سال پیش ایراد می‌گیرند که چرا فلان کردند و چرا فلان نکردند، کسی نیست به اینها بگوید: شما چه کردید؟ آنها که همه مربوط به گذشته است. البته سیاست ایشان نیز همین است که فکر شما مردم ساده را به گذشته مشغول کنند و به اختلاف فلان با فلان تا مبدا کسی کمی تعقل کند و بخواهد به خود آخوندها ایرادی بگیرد و دائم بنشیند از صبح تا شام برای اهل بیت گریه و زاری کند و زیارت بخواند و به زیارت برود، آخوندها هم حکومتشان را داشته باشند و هر کاری خواستند به نام اسلام انجام دهند.

سخت‌گیری و آسان‌گیری

سیاست مسخره‌ای که از ابتدای انقلاب وجود داشته این بوده که در مورد برخورد با انحرافات و مفاسد اجتماعی به یک شکل برخورد کرده‌اند و هر روز به نوعی کار کرده‌اند، یک روز به سختی و بطور افراطی جلوی این مفاسد ایستاده‌اند و روز دیگر اصلاً کاری به جایی نداشته‌اند.

چنانچه در ابتدای انقلاب کسی نواری صوتی در ماشین خود می‌گذاشت پاسدارها و کمیته جلوی او را می‌گرفتند و او را تنبیه می‌کردند، ولی اکنون دائم در خیابانها می‌بینی که در ماشینهای خود سیستمهایی گذاشته‌اند که صدای آهنگ و موسیقی تند آن تا چند کیلومتر دورتر نیز می‌رود. یا چنانچه در ابتدای انقلاب دختر بچه‌ای بدون روسری بیرون می‌آمد تمام زنهای دیگر او را سرزنش می‌کردند ولی اکنون زنان و دختران بزرگسال بی‌حجاب شده‌اند و کسی به آنها ایراد نمی‌گیرد و اصلاً عرف جامعه شده‌اند. یا اول

صحبت‌ها را برای فریب دادن و دلخوش کردن و معطل کردن شما می‌زنند تا خودشان راحت حکومت کنند و برای شما جلسات مهدویت، انتظار و هزاران مزخرف دیگر بر پا می‌کنند.

انقلاب در فیلم‌ها و سریالهای تلویزیونی حجاب و موارد دیگر بیشتر رعایت می‌شد ولی اکنون کافی است فیلمهای ساخته دست خودشان را ببینید که حجاب زنان و رابطه دختر و پسر در آنها به چه شکل است. خواننده گرامی بدانند که این روش تربیتی بدترین نوع برای خراب کردن یک جامعه است، چون وقتی شما جلوی چیزی را شدیداً بگیرید نسبت به آن مسئله حرص و طمع ایجاد می‌کنید، ولی وقتی ناگهان آن سد ممانعت را بردارید دیگر خودتان حدس بزنید چطور خواهد شد.

امام سیزدهم و افزایش تعداد معصومین

شیعیان تا زمان انقلاب سال ۱۳۵۷ در ایران دوازده امامی بودند، ولی به نظر ما پس از انقلاب سیزده امامی شده‌اند و در واقع به حدیث کتاب کافی نوشته مغز متفکر شیعه جناب کلینی جامه عمل پوشاندند، چون در کتاب کافی آمده که امامان از بطن فاطمه زهرا دوازده نفرند!! که طبق این حدیث تعداد امامان سیزده نفر می‌شود و طبق شواهدی که ما پس از انقلاب مشاهده کردیم امام سیزدهم کسی نمی‌تواند باشد الا جناب خمینی!! و در واقع او امام سیزدهم شده است^۱، و حتی دارای نوعی عصمت است و لابد پانزدهمین معصوم می‌شود، چرا؟ چون هیچگاه مشاهده نکردیم کسی بگوید: خمینی فلان اشتباه را داشته، یا به او انتقادی بشود، نه در روزنامه و نه در تلویزیون یا جلوی خودش یا جلوی طرفدارانش کسی هیچگونه مخالفتی با او نکرده و همه فقط مطیع و فرمانبردار او بوده‌اند، در صورتیکه حضرت علی فرموده: «کسانی را اطراف خود جمع کن که مخالفتی با تو باشند». ما در اطراف خمینی یا خامنه‌ای چنین افرادی را نمی‌بینیم. مردم ما در بت کردن اشخاص و بخشیدن قداست و عصمت به آنها در جهان نظیر ندارند و

۱- البته نامی از خمینی در کتاب کافی نیست و حتماً به خاطر تقیه و مصلحت‌هایی که ما از آن بی‌خبریم نام او برده نشده!!! چون به قول آخوندها اگر نام آیندگان برده شود نسبت به آنها کینه، حسد و دشمنی ایجاد می‌شود!!!!.

اینکار را دقیقاً در مورد خمینی کردند و می‌کنند، هنوز هم که سی سال از انقلاب می‌گذرد و خرابیها و انحرافات این انقلاب مشاهده شده و وعده‌های خمینی و آخوندها هم تحقق نیافته باز هم می‌بینید کسی جرات ندارد به خمینی حرفی بزند و هنوز بسیاری از مردم او را همچون پیامبر و امامان خود دوست دارند و حتی بیشتر از پیامبر اسلام دوستش دارند و دائم در مورد او صحبت می‌کنند، پس وقتی خود مردم اینگونه‌اند هیچ کس نمی‌تواند برایشان کاری بکند.

عصمت و عظمتی که به خمینی و خامنه‌ای می‌دهند به پیامبر اسلام نمی‌دهند و اینقدر که دائم در تلویزیون و رادیو از فضائل رهبران خود تعریف می‌کنند از پیامبر ﷺ هیچ صحبتی نمی‌کنند، نام خمینی که برده می‌شود سه صلوات می‌فرستند ولی نام پیامبر ﷺ که برده شود یک صلوات می‌فرستند، بعد هم اینگونه توجیه می‌کنند که شما شرایط انقلاب و سیاست فعلی را درک نمی‌کنید که این ایرادها را می‌گیرید!! پس کسی نمی‌تواند منکر این باشد که پس از انقلاب در مورد رهبران غلو و زیاده روی بسیار کرده‌اند و دائم آنها را بت کرده‌اند و ذهن مردم را به آنها گرم کرده‌اند و می‌کنند، دست خمینی را می‌بوسیدند، حتی خود رئیس جمهور (رجائی) اینکار را می‌کرد. پس از مرگ خمینی برایش گنبد و بارگاه درست کردند، هم اکنون نیز آن غلوه‌ها و خرافات همچنان ادامه دارد و از رهبر خود چپیه^۱ می‌گیرند برای تبرک!! و جلوی او اشک می‌ریزند و خود را ذلیل می‌کنند. البته وجود این عصمت و قداست چیزی عجیب هم نیست چون اصلاً یکی از شرایط ولی فقیه مرتکب نشدن به گناه کبیره و صغیره است، و حتی خمینی گفته: چنانچه ولی فقیه به نامحرمی نگاه کند از درجه ولایت فقیه‌ی ساقط می‌شود، اما می‌بینیم

۱- چپیه یک تکه پارچه است که رزمندگان داشتند و خامنه‌ای نیز بر گردن خود می‌اندازد و تنها آرزوی یک بسیجی یا حزب اللهی داشتن این یک تکه پارچه است که بر گردن آقا بوده و متبرک شده!!! در اینجاست که باید بگوئیم: به یزدان که گر ما خرد داشتیم کجا این سرانجام بد داشتیم

که خمینی در سخنرانی خود که در رادیو و تلویزیون پخش شد گفت: در قرآن سوره منافقون داریم ولی سوره کافرون نداریم!!

فکر می‌کنم حتی بچه‌های دبستانی هم سوره‌های قرآن را بدانند ولی ظاهراً ولی امر مسلمین جهان فراموش کرده یا نمی‌داند.

فراموش نکنید در اینجا صحبت از واقعیاتی است که در دل جامعه و بین مردم است نه کتب دینی و غیره، عصمتی که مردم به خمینی و جانشینان او داده‌اند واقعیتی انکار ناپذیر است و همچون امامان خودشان از ایشان تجلیل می‌کنند و آنها را معصوم می‌دانند و هیچگونه انتقادی به آنها نمی‌کنند و تمام دستوراتشان باید بدون استثنا پیروی شود، حتی اگر دستوری در مورد مسائل دینی بدهند (مثلاً حج خانه خدا را ممنوع کنند)، پس یکی دیگر از ثمرات وجود حکومت آخوندها و سایه‌های خدا! در زمین، ایجاد نوعی دیکتاتوری است که همچون شاهان قبلی و حتی بدتر از آنها عمل می‌کنند و خود را معصوم از هر خطایی می‌دانند، چون این فقیه شیعه است و نائب امام زمان و تنها جانشین بر حق رسول خدا ﷺ می‌باشد، چون دیانت ایشان عین سیاست و حکومتشان است، و چون در دین ایشان امکان خطا برای اولی الامر وجود ندارد و اولی الامر باید معصوم باشد، بنابراین نائب او نیز به نوعی این عصمت را در خود جای داده و به نظر ما فرق چندانی با امام غائب معصوم ندارد.

نقش ملت در ایجاد سایه‌های خدا

اکثر نویسندگان سعی دارند در مطالب خود مردم را خیلی مورد نقد قرار ندهند تا طرفداران خود را از دست ندهند و مردم را رنجور نکنند و مسبب اصلی انحرافات را بیشتر بر گردن سایر اشخاص می‌اندازند، اشخاصی چون روحانیون یا حکومت و غیره... ولی چون ما نمی‌خواهیم سر خود را کلاه بگذاریم و جوایب حقیقت هستیم، در اینجا اینکار را نمی‌کنیم و به نقش ملت در ایجاد این انحرافات می‌پردازیم.

به نظر ما یکی از علت‌های اصلی وجود خرافات و فرقه‌های خرافی یا حکومتی ظالم یا روحانیون گمراه و... مردم و ملت هستند، چرا؟ چون اگر شما مردم مشتری خرافات و خریدار آن نباشید مطمئن باشید آخوندها یا مداحان دائم بالای منبر نمی‌روند و مزخرف نمی‌گویند. وقتی روحانیون و مداحان می‌بینند صحبت‌هایشان خریدار و طرفدار فراوان دارد این طبیعی است که از کار خود دست نکشند و به ترویج خرافات ادامه دهند. در ضمن شما فکر می‌کنید این روحانیون یا رجال حکومتی از کجا آمده‌اند؟ بطور حتم از آمریکا یا اسرائیل نیامده‌اند، تمامی اینها از دل مردم و جامعه بیرون آمده‌اند، پسر شما در بسیج محله^۱ بوده یا در حوزه‌های علمیه و سپس مداح و آخوندی خرافی شده است یا خیلی زرنگ بوده و رئیس جمهور یا رهبر شده، پس شما ملت نباید دائم از آخوند و رهبر و مسئولین ناراضی و متنفر باشید چون همه اینها از خودتان هستند نه از جایی دیگر. تا وقتی خودتان را درست نکنید اوضاع به همین منوال خواهد بود، تا وقتی شما با فرزندان‌تان به روضه می‌روید و پای خرافات آخوندها می‌نشینید و فرزند شما نیز با همین افکار غلط بزرگ می‌شود، در آینده نیز همین فرزند شما می‌شود: یکی از مسئولین حکومتی، یکی از سایه‌های خدا یا یکی از طرفداران سایه خدا.

می‌دانید وسعت ذهن و دید مردم خرافه پرست تا کجاست؟ تا ته چاه جمکران!!، تا ضریح امامان!! در سفر حج تا محدوده قبرستان بقیع!!، تا زیارت عاشورا و لعن خلفا!! تا دشمنی با اهل سنت!! تا گذاشتن مهر در نماز و دست باز نماز خواندن!! تا برپایی روضه و عزا برای اهل بیت!! و به طور کلی تا باور کردن هر خرافه‌ای از دهان آخوندها!!.

۱- اکثر بچه‌هایی که در بسیج محله خود عضو هستند شست و شوی مغزی می‌شوند و دارای روحیه‌ای تفرقه افکن و متنفر از اهل سنت هستند یا دارای خرافات و چرندیات فراوانی می‌شوند که دکانداران مذهبی در سرشان فرو می‌کنند، بعد هم از بسیج می‌آیند داخل سپاه و مسئول اداره جامعه و ملت می‌شوند. البته حوزه‌های علمیه نیز به همین شکل است و مملو از شیاطین و خرافات حوزوی است، از کتب خرافی آنها که بگذریم مثلاً عید عمر می‌گیرند (عمر کشون) و در آن روز انواع حرکات بی‌ادبانه را انجام می‌دهند.

پس با وجود چنین افکاری شما می‌خواهید چه کار بکنید؟ حتی ارشاد چنین اشخاصی بسیار مشکل است، چنین اشخاصی از کودکی چنین تربیت شده‌اند و با دو کلام صحبت ما عوض نمی‌شوند، اینها بر سر باء بسم الله مانده‌اند، آنوقت شما می‌خواهید در مورد اتحاد با مسلمین و دست برداشتن از عقاید غلط صحبت کنید و به قول شاعر که می‌گوید:

خانه از پای بست ویران است خواجه در فکر نقش ایوان است
یا درست کردن ضریح برای ائمه معصومین!! مخصوصاً برای ائمه بقیع که مظلومانه در آنجا خفته‌اند!! یا اینکه با پای راست به دستشویی بروند نه با پای چپ!! یا اینکه پرداخت خمس مالشان به تاخیر نیفتد!!

مردم ما امام زمانی هستند و نشسته‌اند تا امام زمان بیاید و کارها را درست کند!! ملت باید اصلاح و تربیت و تعلیم اسلام واقعی را از خودش شروع کند تا جامعه درست شود و سایه‌های خدا و دکانداران مذهبی به وجود نیایند و اگر هم هستند نابود شوند و به قول معروف: از ماست که بر ماست.

میانگین میزان مطالعه در ایران تقریباً صفر است و متأسفانه مردم علاقه‌ای به خواندن کتاب ندارند و در این مسیر سعی و تلاشی نمی‌کنند. تازه در ایران کتاب‌هایی که به ضرر حکومت و آخوندها باشد منتشر نمی‌شود^۱ و حتی روی سایت‌های اینترنتی نیز بسته هستند و فیلتر شده‌اند. پس مطالعه نداشتن شما مساوی است با احمق شدن و گوسفند صفت بار آمدن، یعنی بیشتر دوست دارید بشنوید تا بخوانید و این شنیدن شما نیز پای منبر آخوندی گمراه و متعصب است که سعی دارد مغز شما را هم مانند مغز خودش پر از خرافات کند و شما را نیز با خود به گمراهی و دوزخ بکشانند.

توصیه من به کسانی که می‌خواهند اصلاحاتی به وجود آورند این است که بدترین و مهمترین مانع پیش روی شما در واقع ملت و مردم نادان و گمراه هستند، اگر اینها را از

۱- در ایران تا دلتان بخوهد کتاب‌های امثال مجلسی چاپ می‌شود تا شما بیشتر خرافاتی شوید.

سر راه بردارید دولت و حکومت خود به خود از بین می‌رود. البته چنانچه این نظام و آخوندهای آن که طرفدار خرافات هستند نابود می‌شدند شما راحت‌تر می‌توانستید مردم را هدایت کنید و صدای خود را به آنها برسانید و دیگر دولتی نبود که صدای شما را سانسور کند، ولی باید توجه داشته باشید که دولت نیز از همین مردم درست شده و به خاطر حمایت همین مردم خرافی است که پایدار مانده است. تا وقتی می‌بینی هنوز مردم امامزاده پرست هستند و خمس می‌دهند و خودشان مروج خرافات هستند دیگر چه انتظاری برای پیشرفت دارید.

نقش رسانه‌ها (رادیو و تلویزیون)

شکی نیست و کاملاً واضح و آشکار است که رسانه‌های مختلف در ایران و رادیو و تلویزیون تحت کنترل شدید و زیر نظر حکومت آخوندی کار می‌کنند و آخوندها اجازه پخش کوچکترین مخالفت را در این رسانه‌ها نمی‌دهند. رسانه‌های مختلف به خصوص تلویزیون نقش عمده‌ای در منحرف کردن اذهان عمومی دارند و چون متأسفانه مردم ایران بیشتر دوست دارند ببینند تا مطالعه کنند بنابراین رژیم سایه‌های خدا! در صحیح جلوه دادن اعمال خود و پنهان کردن مفاسد خود به راحتی موفق شده و هر کس چنین فکر می‌کند که هر چه در تلویزیون پخش شود کاملاً صحیح است. تلویزیون هر گونه که بتواند کار می‌کند، از ترویج خرافات مذهبی گرفته تا خوب جلوه دادن سیاستهای رجال حکومتی و غیره...

بت کردن اشخاص و رهبران دینی کار اصلی تلویزیون است و یا چنانچه بخواهند کسی را سرکوب کنند یا صحبتی از او نکنند اصلاً او را نشان نمی‌دهند تا مردم بفهمند که چنین شخصی هم وجود دارد و اگر هم او را نشان دهند از او انتقاد می‌کنند و ذهن مردم را نسبت به او خراب می‌کنند.

در ترویج فساد و بی‌بند و باری نیز تلویزیون مقصر است و هر روز که وضعیت جامعه و بی‌حجابی بدتر شود این رسانه نیز خود را به همان وضع موجود جامعه تطبیق می‌دهد نه با دین اسلام، چون اینها با اسلام کاری ندارند و هدفشان حفظ حکومت است، حالا شما بی‌بند و بار باش و هر کاری خواستی بکن، فقط به حکومت کاری نداشته باش!!

هر موقع سیاست مسئله‌ای جدید را پیش کشد این رسانه تبلیغات خود را شروع می‌کند و دائم از همان مسئله حرف می‌زند تا ذهن مردم را به آن جلب کند و در واقع تلویزیون نیز سیاسی است نه مردمی و متعلق به حکومت است نه به مردم. ملت حق داشتن شبکه‌ای را ندارند، همینطور اقلیت‌های مذهبی چون اهل سنت که اصلاً هیچ جایی ندارند چه برسد به شبکه تلویزیونی. پس این است حکومت عدل علی و آزادی مردم و نبودن خفقان در جامعه، هر خفقانی که بوده در دوران ابوبکر و عمر بوده و در حکومت عدل علی همه آزاد هستند!!

هر روز این رسانه افکار مردم را به چیزی سرگرم می‌کند، یک روز اسرائیل، یک روز انرژی هسته‌ای، یک روز اعتراض به فلان کشور و یک روز خلیج تا ابد فارس، یک روز تمدن و تاریخ دیرینه، یک روز خرافه‌ای جدید و غیره... و حتی از اصول روانی نیز استفاده می‌کند، برای خواننده گرامی مثالی می‌زنم تا متوجه شود:

در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۵ در شبکه سوم سیما در اخبار ساعت ۲۲ مصاحبه خبرنگار تلویزیون ایران در بغداد را با یک راننده تاکسی نشان دادند و صحبت‌های آن راننده را ترجمه می‌کردند و پائین تلویزیون می‌نوشتند تا مردم بخوانند. توجه کنید خبرنگار به راننده گفت: برویم و داخل خیابانهای بغداد گردش بکنیم تا ببینیم چه خبر است؟ ولی در واقع موضوع دیگری مد نظر تلویزیون بود نه نشان دادن خیابان‌ها، چون هیچ جایی را هم نشان ندادند و آن این بود که آن راننده گفت: ۵ سال پیش وقتی مجسمه صدام را

انداختند من خیلی خوشحال شدم ولی ۵ سال است می‌گذرد و آمریکایی‌ها هنوز نرفته‌اند، وضع عراق خیلی بد است، آمریکایی‌ها هیچ کمکی نکرده‌اند. فکر می‌کنید برای چه منظوری امثال این مصاحبه‌ها را پنخس می‌کنند؟ برای اینکه در ذهن بیننده اینطور بیندازند که اگر خامنه‌ای هم برود وضع تو بدتر خواهد شد و کسی برایت کاری نمی‌کند و مثل عراقی‌ها بدبخت می‌شوی و بیننده هم با خود بگوید: همین آخوندها باشند بهتر است و در واقع تلویزیون با این روش خود برای حفظ حکومت آخوندها تلاش می‌کند.

دائم می‌بینید که وضع آشفته کشورهای دیگر را نشان می‌دهند تا غیر مستقیم به مردم بگویند: ببینید کشور ما خیلی خوب است!!^۱ البته اینها در دل خود از آشفته‌گی کشورهای همسایه و عرب و اهل سنت خوشحال هم می‌شوند، چون حکومتها و مذهب آن کشورها را صحیح نمی‌دانند و فقط مذهب تشیع (تشیع صفوی) و ولایت فقیه و نائب امام زمان را صحیح می‌دانند و با خود می‌گویند: جاهای دیگر هم باید زیر نظر ما باشد و باید ولایت خود را به آنها نیز صادر کنیم!! چون همانطور که قبلاً گفتم اینها با اهل سنت (مخصوصاً از نوع عرب آن) دشمنی دارند و از عقب افتادگی آنها خوشحال می‌شوند و می‌بینی که کوچکترین مسئله‌ای که در این کشورها رخ دهد دائم به نمایش می‌گذارند ولی صدها فساد و انحراف و خرابکاری و اختلاس و دزدی و آدمکشی که در ایران می‌شود اصلاً به روی خود نمی‌آورند و نشان نمی‌دهند. مطمئن باشید هیچ وقت تلویزیون نمی‌آید و شکنجه‌های اداره اطلاعات را به معرض نمایش بگذارد، در جریان قتل‌های زنجیره‌ای هم دیگر خرابی و گند آن تمام عالم را پر کرده بود. یا هیچ وقت نمی‌آیند تخریب مساجد اهل سنت توسط رژیم خدایی! را نشان دهند، چندین مسجدی از اهل سنت که پس از

۱- تنها کار تلویزیون در ایران خوب جلوه دادن نظام حکومتی و سانسور اخباری است که به نفع حکومت نیست. و البته خیلی هم عجیب نیست چون رسانه‌ای دولتی است و ملت ایران حق داشتن یک شبکه را هم ندارند تا هر چه خواستند در آن بگویند و فقط باید گوش کنند.

انقلاب خراب کرده‌اند و هیچ کدام از مردم خبر ندارند و البته چنانچه بفهمند هم خیلی برایشان مهم نیست.

اگر سیاست آخوندها ایجاب کند که باید دشمنی با اهل سنت را تشدید کنیم، تلویزیون را می‌بینی که دائم می‌آید و موزیانه و مکارانه اخباری را از کشورهای اهل سنت پخش می‌کند تا در ذهن مردم این دشمنی را تشدید کند، مثلاً می‌گوید: فلان مفتی از اهل سنت چنین فتوایی داده، فلان بمب گذاری توسط وهابیون صورت گرفته و غیره... مردم ایران همینطور هم با اهل سنت دشمن هستند دیگر نیازی به پخش این اخبار نیست.

بعد از انقلاب دهم از هفته وحدت می‌زنند، ما از ایشان چند سوال داریم:

- ۱- شما در راستای این وحدت چه کرده‌اید؟
- ۲- کدام برنامه تلویزیونی را به اهل سنت داده‌اید تا عقاید خود را در آن پخش کنند؟ لااقل برای ۲۰ میلیون نفر اهل سنت ایران.
- ۳- اجازه چاپ کدامیک از کتابهای اهل سنت را داده‌اید که بر نقد عقاید شیعه باشد؟ البته حواس من نبود که اصلاً شما با نقد مخالف هستید!!
- ۴- چرا سایتهای اینترنتی اهل سنت را بسته‌اید؟ شما که خفقان ندارید و می‌گوئید: هر خفقانی بوده در حکومت خلفا بوده نسبت به اهل بیت!!
- ۵- چرا زندانی‌ها و اخبار و بلاهایی که نسبت به اهل سنت انجام می‌شود نشان نمی‌دهید؟ شما که دوستدار آنها هستید و با آنها هفته وحدت دارید.
- ۶- چرا آخوندها روی منبرهای خود هیچگونه صحبتی از اهل سنت نمی‌کنند؟ و به مردم نمی‌گویند: با آنها دوست باشید و آنها هم اهل بیت را دوست دارند و دشمن ما نیستند؟ البته لابد باید این سخنان را در دهه فاطمیه و مراسم عزا برای پهلوی شکسته فاطمه بگویند که البته خیلی با موضوع روضه و منبر همخوانی نخواهد داشت.
- ۷- چرا با آخوندها و مداحان و کسانیکه در ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی

می‌کوشند بطور جدی مقابله نمی‌کنید؟ بسیار دیده یا شنیده‌اید که فلان مداح یا آخوند بالای منبر به عقاید اهل سنت طعنه زده یا صریحاً خلفاً را لعن کرده یا به عایشه توهین کرده و حتی بعضی اوقات در تلویزیون هم پخش می‌کنند یا در روزنامه‌ها و مجلات، دیگر روضه‌ها و منبرها که جای خود دارد و اصلاً کسی با آنها کاری ندارد و هر مزخرفی که بخواهند می‌گویند و ذهن مردم را خراب می‌کنند.

۸- چرا روحانی کاروان در مراسم حج هیچگونه صحبتی از اهل سنت آنجا نمی‌کند؟ و اگر هم حرفی بزند بیشتر بدگویی آنها را می‌کند و دائم می‌گوید: اینها وهابی هستند و مردم را بدبین می‌کند، در صورتیکه ایجاد وحدت باید در آنجا شکل بگیرد چون مردم بطور مستقیم با اهل سنت روبه رو می‌شوند و می‌توانند ایجاد همبستگی کنند. البته آخوندها نمی‌خواهند این همبستگی ایجاد شود چون ممکن است خیلی از مسائل روشن شود و در نتیجه دکان ایشان تعطیل خواهد شد.

تلویزیون در ترویج خرافات مذهبی موجود در تشیع صفوی نقش اساسی را ایفاء می‌کند (پس وای بر مسئولین آن) و به عنوان مثال اکثر تاریخ نویسان و محققین در عصر حاضر از ماهیت پلید دولت صفویه کاملاً آگاهی دارند و می‌دانند که این دولت برای چه منظوری توسط انگلیس و غرب ایجاد شد (برای شکست امپراطوری عثمانی و تفرقه اندازی بین مسلمین و تضعیف اسلام) و اکثراً نیز شاه عباس ظالم و شرابخوار و خونخوار را می‌شناسند که در قتل عام اهل سنت و دیگر جنایات حرف اول را می‌زده است. ولی ظاهراً مسئولین و محققین و نویسندگان حاضر در تلویزیون از این موضوعات بی‌خبرند و یا خود را به خواب زده‌اند، چون در سریالهایی که در مورد صفویه می‌سازند می‌بینیم که چهره‌ای بسیار جالب و دیدنی از شاه عباس نشان می‌دهند و او در فیلم با دیگران شوخی می‌کند و می‌خندد و...، به طوریکه مردم پس از دیدن سریال تصویری خوب از این سفاک پیدا می‌کنند و همه او را دوست خواهند داشت.

البته این روش کار توسط تلویزیون ولایت فقیهی خیلی هم عجیب نیست چون بالاخره این صفویه بوده که این دکان را برای ایشان دست و پا کرده و نمی‌تواند خدمات ایشان را نادیده بگیرند، چون در واقع جانشین همان شاه عباس هستند و به او وفادار هستند. خمینی نیز شاگرد مجلسی است و به مزخرفات او علاقه خاصی داشته است و تحمل نداشته کسی به استادش توهین کند.

این آخوندها همه بحارالانوار و خرافات مجلسی را از ته دل قبول دارند و اگر هم در بحثها بعضی از احادیث بسیار مسخره آنها را رد می‌کنند دیگر از درد ناچاری است نه اینکه از ته قلب قبول نداشته باشند. مزخرفاتی چون اینکه در روز کشته شدن خلیفه دوم قلم برداشته شده و می‌توان هر کاری کرد، و برای همین است که در حوزه‌های خود در چنین روزی با هم شوخی‌های زشت می‌کنند چون واقعاً این مزخرفات را قبول دارند. یا حدیثی که مجلسی از حضرت باقر آورده که می‌گوید: گویا می‌بینم قومی در مشرق خروج کرده‌اند و حق را طالبند، به آنان حق داده نمی‌شود تا قیام کنند و حق را بگیرند و حق را ندهند مگر به صاحب شما. و مجلسی می‌گوید: این کمالات اشاره است به دولت صفویه، خدا آنها محکم کند، و به دولت قائم وصل کند. شاه سلطان حسین بدبخت هم در اصفهان به همین مزخرفات مجلسی دلخوش بوده و راحت نشسته بوده و اقدامی علیه مهاجمین افغان نمی‌کند تا او و دولتش را سرنگون می‌کنند. آنوقت جالب اینجاست که خمینی و آخوندهای طرفدارش هم باز همان خرافات مجلسی را تکرار می‌کنند و می‌گویند: این دولت ولایت فقیه و جمهوری اسلامی پایگاهی است برای قیام مهدی علیه ظلم و ستم و هرگز کسی نمی‌تواند آنها سرنگون کند چونکه وصل است به دولت امام زمان و شخص امام زمان روی ایران ولایت تکوینی دارد و مراقب ماست، همانطور که در جریان طوفان طبس نگذاشت توطئه دشمنان اجرا شود!!!

پس تلویزیون در ترویج خرافات صفویه نقش اول را دارد و این امر را در سریالهای مختلف خود نشان می‌دهد، مثلاً در سریالی که به نام جابر بن حیان (یکی از یاران امام

جعفر صادق) در تلویزیون پخش شد انواع خرافات را به معرض نمایش گذاشتند. در آن سریال (در قسمت آخرش) نشان می‌داد که جابر بن حیان نامه‌های مختلفی از یاران امام صادق را برای آن امام می‌آورد و امام صادق بدون اینکه نامه‌ها را بخواند جواب همگی آنها را تحویل جابر می‌دهد تا برای یارانش ببرد!! یا نشان می‌دهد که جابر بن حیان در کوهستانی مشغول خواندن نماز است و روی سجاده‌ای که پهن کرده چیزی شبیه به مهر گذاشته و روی آن سجده می‌کند!!

ولی روی زمین چند سانتی متر بالاتر سجده نمی‌کند تا به این شکل به مردم ساده و بی‌خبر نشان دهند که این مسئله مهر از همان زمانهای قدیم بوده است.

یا سریالی خارجی (فکر می‌کنم محصول ترکیه بود) پخش می‌کردند به نام کلید اسرار که در آن انواع قصه‌های خرافی را نشان می‌دادند.

مردم ایران همینطوری هم خرافاتی هستند و دیگر احتیاجی به پخش این خرافات نمی‌باشد.

مداحان گمراه و خرافی نیز به نام اهل بیت در تلویزیون فعالیت می‌کنند در صورتیکه ما می‌دانیم ایشان از قشر متعصب و گمراه جامعه می‌باشند و یا دائم از یک شاعر به نام حاج محمد رضا آقاسی برنامه می‌گذارند که انواع چرندیات را به وسیله شعر به خورد مردم می‌دهد و در ستایش ولی فقیه می‌گوید:

من یقین دارم مسلمان نیستید!! چون ولی را تحت فرمان نیستید!!
یکی نیست به این نادان بگوید: این ولی شما خودش گمراه است، حال چطور کسانی که تحت فرمانش نیستند از دایره اسلام خارج می‌شوند؟ باید به این شاعر گفت: این موارد تنها به چاپلوسی جنابعالی بر می‌گردد و ربطی به اسلام ندارد. یا دائم در مورد امام زمان شعر سروده که:

هر که به دیدار تو نائل شود یک شبه حلال مسائل شود!!

و حتی در تفرقه افکنی بین شیعه و سنی نیز هنرنمایی فرموده‌اند و به اهل سنت ایراد گرفته‌اند که:

چرا سنی نمی‌خواهد بفهمد وضوی بی‌ولایت آب بازیست!!!
 نمی‌دانم چرا خداوند در آیه مربوط به وضو ذکری از این ولایت نکرده تا وضوی ما آب بازی نشود؟

و البته حجة الاسلام‌ها و آخوندها نیز دست کمی از مداحان ندارند و خودشان حامی خرافات هستند، به عنوان مثال شخصی به نام حجة الاسلام و المسلمین پناهیان وجود دارد که در ایران نیز شهرت دارد و خیلی او را می‌شناسند و حتی رهبر کشور و ولی فقیه ایشان جناب خامنه‌ای نیز پای منبر او می‌نشیند^۱. حال خواننده گرامی توجه کند وقتی در کشوری حجة الاسلام این باشد دیگر مردم عادی چگونه خواهند بود؟

این جناب پناهیان که فردی متعصب و خرافی می‌باشد در منبری که در جزیره کیش برپا کرده بود و از تلویزیون نیز پخش شد خطاب به مردم گفت: دیده‌اید وقتی اذان می‌گویند آدم در دل خود ناراحت می‌شود و با خود می‌گوید: دوباره اذان شد!! ولی وقتی می‌گویند: یا حسین، می‌بینید که شقی‌ترین و بدترین آدمها نیز دلش به رحم می‌آید و نرم می‌شود!!

و در این هنگام بود که همه مردم زدند زیر گریه به خاطر حسین.

کسی نیست به این ابله بگوید: اذان اعلام و خواندن مردم برای ستایش خدای یکتاست و چطور شما از شنیدن آن غمگین می‌شوید و برعکس صدا زدن مخلوق خدا در هر جا و او را همچون خدا ناظر و حاضر دانستن شرک است^۲، ولی ظاهراً شما این شرک را بیشتر از هر چیزی دوست دارید و حتی ادعا دارید همچون خداشناسی به

۱- کسانی که برای صحیح جلوه دادن مرجع تقلید به شهرت علما استناد می‌کنند لازم است این مطالب را بخوانند.

۲- شرک در صفات خدا: یعنی صفات خالق را به مخلوق بدهیم، همچون حاضر و ناظر بودن در هرجا.

صورت فطری در دل شقی‌ترین انسانها نیز وجود دارد، و با شنیدن آن دل رحم می‌شوند. وقتی حجة الاسلامی مروج شرک باشد و تلویزیون نیز دائم از این مرد احمق برنامه پخش کند و برایش تبلیغ کند دیگر چه انتظاری از عوام بیسواد می‌توان داشت؟ البته در نظام جمهوری اسلامی از این حجة الاسلامها و آخوندهای خرافی بسیار دیده می‌شود و ما تنها نمونه‌ای را برای مثال بیان کردیم.

در دهه فاطمیه نیز انواع مصیبت خوانی‌ها را پخش می‌کنند تا به تفرقه زدن بین شیعه و سنی بیشتر کمک کنند.

مذهب شیعه مذهب عزا و رنگ مشکی است و تلویزیون آن نیز دائم مراسم عزاداری نشان می‌دهد. ۲ ماه محرم که جای خود دارد، دهه فاطمیه و شهادت امامان دیگر نیز می‌باشد که با اینکار خود مردم را از دین زده کرده‌اند و بخاطر همین اکثر مردم رو به ماهواره و فیلمهای مبتذل آورده‌اند. چون در تلویزیون برنامه‌ای مفید نیافته‌اند، بلکه هر وقت آنرا روشن کرده‌اند یا یک آخوند در حال صحبت بوده یا تبلیغ برای انقلاب و جنگ و دشمنان و حرفهای تکراری دیگر که همه از آن سیر شده‌اند.

این صدا و سیمای حکومت آخوندی، پس از گذشت سی سال از سرنگونی شاه، هنوز نشسته و سریال و فیلم علیه شاه می‌سازد و حال و حوصله همه را بر هم زده است. کسی نیست به اینها بگوید: شاه که دیگر رفته است، شما پس از سی سال چه کرده اید؟ پس در واقع تلویزیون مهره و بازیچه‌ای است در دست آخوندها و سیاستمداران برای اجرای مقاصد خودشان.

ملاک حق در نظام جمهوری

یکی از بزرگ‌ترین ضررها و پیامدهای شومی که مذهب تشیع صفوی و نظام حاکمه آن دارد این است که مردم آن برای تشخیص حق از باطل افراد را ملاک کار خود

می‌گیرند نه اینکه خودشان برای پیدا کردن حقیقت تحقیق و تلاش کنند، و چون نظام جمهوری به اصطلاح اسلامی از روحانیون شیعه است و حالتی مقدس دارد، عوام ساده هم افراد عمامه دار و اولاد پیغمبر و ولی فقیه و یک پارچه نور و... را می‌بینند و فکر می‌کنند حق همین‌ها هستند.

شما ببینید چنانچه در رژیم شاهنشاهی فساد و انحرافی رخ می‌داد همه مردم آن را در بوق و کرنا می‌کردند (البته باز هم به اشاره آخوندها نه اینکه خودشان بفهمند) و هنوز پس از سی سال از رفتن آن رژیم نشسته‌اند و سریال و فیلم علیه آن درست می‌کنند و نشان مردم می‌دهند، ولی هزاران فساد و انحرافی که در نظام آخوندها می‌باشد اصلاً مورد توجه کسی نیست و دائم روی آن خرابکاریها سرپوش می‌گذارند. اگر هم کسی اعتراضی به روحانیون و رجال حکومتی و یا رهبر کند مردمی که ملاک حق را در سید بودن و آخوند بودن می‌بینند فوراً می‌گویند: ای آقا، این خرابی‌ها چه کار به آخوندها دارد!! چه کار به خمینی و خامنه‌ای دارد!! این بیچاره‌ها که تقصیری ندارند!! یک نفر مفسد و دزد بوده، بقیه آنها خوب هستند!! و هزار مزخرف دیگر تحویل آدم می‌دهند. اکثر فسادهایی که در رژیم شاهنشاهی بوده، صد پله بدتر از آن در رژیم آخوندها وجود دارد، در رژیم قبلی فساد، بی‌بند و باری و فحشا بوده و اکنون بسیار بیشتر شده، در رژیم قبلی تورم و گرانی نبوده ولی اکنون گرانی و تورم سر به آسمان گذاشته، در رژیم قبلی مشکل مسکن^۱ و کار و ازدواج نبوده ولی اکنون هست، مشکل عقب و جلو بردن ساعت رسمی کشور و پول آب و برق و چیزهای دیگر.

پس چطور شد هم اکنون وجود این انحرافات هیچ اشکالی ندارد و کسی هم معترض نمی‌شود؟ چون اشخاص ملاک حق شده‌اند، چون در رژیم قبلی شاهی با تاج زرین رهبر بوده ولی در رژیم فعلی سید اولاد پیغمبر با عمامه‌ای بر سرش رهبر شده و یک پارچه نور است و هر کاری انجام داد اشکالی ندارد.

۱- در اوایل انقلاب در روزنامه کیهان نوشته بودند: خانه نخريد، ما شما را صاحب خانه می‌کنیم!!!!.

در دین اسلام چیزهایی به نام سید و غیر سید، روحانی و غیر روحانی، مداح و غیر مداح نداریم و تمامی اینها ساخته دست فرقه بازان است. در اسلام میزان ارزش هر شخص به میزان تقوای اوست.

پیامبر ﷺ فرموده: «ألا إن الناس من آدم، وآدم من تراب، وأكرمهم عند الله أتقاهم». یعنی: «هشیار باشید که همه انسانها از آدم پدید آمده‌اند و آدم از خاک (پس مغرور نباشید) و بدانید گرامی‌ترین انسانها نزد خدا پرهیزکارترین آنهاست»^۱.

جمع بندی

- در این قسمت یک جمع بندی کلی از مطالب ذکر شده می آوریم تا نشان دهیم وجود این سایه های خدا و حکومت به اصطلاح اسلامی بطور خلاصه دارای چه معایبی است:
- ۱- ولایت فقیه در اسلام تعریف نشده و دلیلی از کتاب و سنت بر ایجاد آن نمی باشد، بنابراین غیر شرعی است.
 - ۲- شخصی به نام محمد بن الحسن العسکری وجود ندارد، پس نایب او و روحانیون طرفدارش گمراه هستند و در واقع به خدا افترا می زنند^۱. چون امامت و خلافت مهدی را از جانب خدا می دانند و از اصول مهم دین اسلام، در حالیکه در قرآن چیزی در مورد آن نیست، همینطور در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله پس هرکس به امامت من عندالله امامان شیعه و داشتن عصمت و علم غیب و... معتقد باشد در واقع به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت دروغ بسته است و افترا زنده است.
 - ۳- متعصبین مذهبی در ایران دین را دکان کرده اند و همچنین نردبان کرده اند برای سیاستهای خود.
 - ۴- خرافیون در ایجاد تفرقه بین صفوف مسلمین استاد هستند و در این راه اقسام ترفندها را می زنند.
 - ۵- در حکومت آخوندی فریضه امر به معروف و نهی از منکر در حوزه حکومتی و

۱- فراموش نکنید اجتهاد در فروع دینی که در بین مذاهب مختلف اسلامی متفاوت است با مسئله مهدی قابل قیاس نیست، چون به نام مهدی حکومت تشکیل شده و عقیده به او جزء اصول دین شده و خرافات و عقاید شرک آمیز دیگری نیز پیرامون آن وجود دارد.

سیاسی آن بطور کلی تعطیل شده و کسی که اینکار را بکند می‌شود: زندان سیاسی^۱، مرتد، مفسد فی الارض و ضد ولایت فقیه.

۶- دیکتاتوری نظام ولایت مطلقه فقیه بی‌سابقه بوده و وجود خفقان در سرتاسر کشور حکمفرماست و کسی جرات هیچگونه انتقادی در مورد رهبر فعلی (خامنه‌ای) یا حتی رهبر قبلی (خمینی) ندارد.

۷- گرانی، تورم، مشکل مسکن، ازدواج، بیکاری، فساد، بی‌بند و باری و غیره... هر روز رو به افزایش است و سایه‌های خدا هم هیچ کاری به این کارها ندارند و فقط می‌خواهند حکومت را تحویل امام زمان دهند که البته معلوم نیست چند میلیون سال دیگر می‌خواهد ظهور کند.

۸- سایه‌های خدا هیچ گونه تلاشی برای معرفی اسلام واقعی به مردم انجام نمی‌دهند و فقط مردم را سرگرم کرده‌اند به بزرگان دین نه خود دین. و البته در جهل ماندن مردم به نفع سیاستمداران است و هر بلایی که بر سر مستکبرین آمده به علت بیداری مردم بوده است.

۹- داشتن سیاستهای اشتباه نسبت به ملل دیگر و دشمن پروری مداوم ایشان در خطبه‌های نماز جمعه و جاهای دیگر مشخص است.

۱ اینها که دائم به حکومت حضرت ابوبکر و حضرت عمر ایراد می‌گیرند که خفقان در آن بوده!! ما نمی‌دانیم آیا در حکومت شیخین هم زندان سیاسی وجود داشته است؟ من فکر می‌کنم حتی بنی امیه و بنی عباس هم بهتر از اینها بوده‌اند و با زندانیان خود منصفانه‌تر برخورد می‌کردند.

شعر

خسته شد ملت از حال آخوند
مسخ شد آیه‌های خدا از
سال گرگ است تقویم امسال
عین کفر است اقوال این مست
تو برو کار کن ای برادر
جور بی‌حالی‌ش را کشیدند
ای بسیجی به روز قیامت
پاک کن ای خدا کشورم را
کل دریای مازندران رفت
کی شود پر ندانم از این نفت
حد پایان ندارد بدانید
ملت شیر و خورشید افتاد
حرف حق را نگردد پذیرا
جز دروغ و خرافه نبینی
در جدال است با اهل سنت
بی‌گمان حرف حق و شجاعت
حال ما را گرفت این تبه‌کار
زرق و مکر و فریب و ریا بود
ذهن شیطان دون هم ندانست

از تمامی اعمال آخوند
آن احادیث پر قال آخوند
یا به دیگر زبان سال آخوند
عین شرک است افعال آخوند
خمس مالت شود مال آخوند
آن مریدان فعال آخوند
زیر باری و حمال آخوند
از تمامی عمال آخوند
از زد و بند و اهمال آخوند
آن شکم‌های چون وال آخوند
آرزوها و امیال آخوند
مثل بره به چنگال آخوند
آن سر بی‌مخ و کال آخوند
تا که وامی شود گال آخوند
ذهن بیمار و دجال آخوند
بشکند یال و کویال آخوند
پس بگیریم ما حال آخوند
تا به حافظ زدم فال آخوند
تا کجاهاست آمال آخوند

جیب من، جیب تو، کی گشادست
 زیر روسیه و چین شده پهن
 در قیامت بینی که شیطان
 با نوکش بیضه دین شکسته
 توبه و عذرخواهی بینی
 شانس دارد عجیب این تبهکار
 دیدم ابلیس هنگام چینش
 رفت اسلام از کشور ما
 نیست در ذات اسلام عیبی
 کی رها می‌شود ای خداوند

مال من، مال تو، مال آخوند
 پاچه خواری و دستمال آخوند
 بر صراط است حمال آخوند
 جای آن بر پر و بال آخوند
 زان زبان به حق لال آخوند
 بس بلند است اقبال آخوند
 در کفش داشت غربال آخوند
 تا وطن گشت اشغال آخوند
 هست اشکال، اشکال آخوند
 ملت ما ز چنگال آخوند

جمهوری قلابکی

جمهوری قلابکی، دارد سقوط می‌کند
 مهدی موهوم شما، آخر نمی‌آید ولی
 این بچه شیطان ریا افتاده از مرگ و عزا
 کار بسیجی مظلومه باتوم و اشک آور قمه
 سهم امام و روضه‌ها، بیکاره‌های حوزه‌ها
 از امر منکرهایتان، از نهی معروف شما
 از بوق تبلیغ شما، شد مثل طوطی فکرما
 ساز مخالف شد هدف، آمد فساد از هر طرف
 حق آید و باطل رود، پای شما در گل رود

این اقتدار آبکی، دارد سقوط کند
 بنیادهای آهکی، دارد سقوط می‌کند
 مانند کاهی طفلکی، دارد سقوط می‌کند
 آخوند با هر مسلکی، دارد سقوط می‌کند
 خمس و زکات قلکی، دارد سقوط می‌کند
 این امر و نهی سیخکی، دارد سقوط می‌کند
 این خط دهی زورکی، دارد سقوط می‌کند
 آری نظام جلبکی، دارد سقوط می‌کند
 اندیشه شیطانکی، دارد سقوط می‌کند

اندیشه‌های آبکی، تحلیلهای یخمکی آن شیخ ریش و پشمکی، دارد سقوط می‌کند
 باد هوا شد وعده‌ها، خاموش شد آن نعره‌ها جمهوری قلابکی، دارد سقوط می‌کند^۱

پس از انقلاب و حتی هم اکنون و پس از گذشت سی سال از آن، بارها و بارها دیده شده که آخوندها و حتی جناب خامنه‌ای^۲ بر بالای منبر گفته است: هنوز جامعه ما بطور کامل اسلامی نشده است و ما باید بیشتر تلاش و کوشش به خرج دهیم تا معایب خود را رفع کنیم.

واقعاً که ما نمی‌دانیم به این مغرضان چه بگوئیم؟ به جناب خامنه‌ای باید گفت: چطور مکتب تشیع پس از گذشت ۱۴۰۰ سال کار آکادمیک در حوزه‌ها و توسط علمای مختلف خود و همینطور با داشتن حکومت‌های مختلفی چون صفویه و آل بویه و همینطور پس از گذشت سی سال از انقلاب خود در ایران و داشتن حکومت ولایت فقیه باز هم نتوانسته اسلام واقعی را پیاده کند؟ و هنوز دارای معایبی می‌باشد، آنوقت شما از صبح تا شام نشسته اید و به حکومت ابوبکر، عمر و صحابه ایراد می‌گیرید که چرا در تعداد تکبیرها یا موارد دیگر اختلاف کردند؟! یا چرا فلان کار را درست انجام ندادند؟!

آیا اسلام نوپایی که در آنوقت وجود داشته باید از هرگونه لغزشی بر کنار می‌بوده است؟ ولی حکومت شما پس از سی سال نتواند اسلام واقعی را پیاده کند.

البته ای کاش حکومت شما تنها معایبی جزئی داشت، در صورتیکه ما می‌دانیم تنها کار شما خرابکاری و به انحطاط بردن اسلام و ترویج خرافات بوده است نه معایبی جزئی.

۱- اشعار از علیرضا حسینی.

۲- حتی جناب خامنه‌ای در تلویزیون می‌گفت: ما برای گرفتن حکومت انقلاب نکرده ایم بلکه برای برقراری اسلام انقلاب کرده ایم!!!، ظاهراً جناب ولی فقیه فراموش کرده که دیانت ایشان عین سیاست ایشان می‌باشد و شعار اصلی انقلاب یکی بودن دین با سیاست است، حال چطور برای دین و اسلام انقلاب صورت گرفته نه برای سیاست و حکومت؟! از قدیم گفته‌اند: دروغگو کم حافظه است.

سخنی با خواننده گرامی

در پایان لازم به تذکر است که اینجانب وابسته به هیچ یک از گروه‌های سیاسی داخلی یا خارجی نیستم و هدف از نوشتن این مطالب تنها روشن کردن شما خواننده گرامی است، تا متوجه باشید این حکومت و تشکیلات آن و نظام ولایت مطلقه فقیه، اسلامی نیستند و رجال حکومتی آن و آخوندهای صفوی منش آن نیز گمراه هستند و هزاران خرافات را به نام دین اسلام به خوردتان می‌دهند و همچنین به وعده‌های خود که قبل و بعد از انقلاب می‌دادند عمل نکرده‌اند و کارشان تنها شعار دادن است و همچنین سانسور اخباری که به نفعشان نیست.

پس امیدوارم ذهن شما نسبت به ما خراب نباشد و در ضمن شما به گفته‌های ما بنگرید نه به خود ما، حضرت علی علیه السلام فرموده: حکمت را فراگیر حتی اگر در سینه منافق بود. پس چنانچه سخنان ما منطقی بود بپذیرید و هوشیار باشید و چنانچه قبول ندارید دیگر به خودتان مربوط است و ما مسئول هدایت کسی نیستیم.

و به یاد داشته باشید تا خودتان نخواهید کسی برای شما کاری نخواهد کرد، البته حکومت ظلم پایدار نمی‌ماند ولی چنانچه شما هوشیار نباشید یک عده گمراه دیگر ممکن است برای حکومت کردن بیایند، در قرآن در سوره رعد/ ۱۱ آمده: ﴿لَهُ مَعْقِبَتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿۱۱﴾ [الرعد: ۱۱].

«برای هر چیز پاسبانه‌ها از پیش رو و پشت رو و پشت سر برگماشته که به امر خدا او را نگهبانی کنند و خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند و هرگاه خدا اراده کند که قومی را به بدی اعمالشان عقاب کند هیچ راه دفاعی نداشته و هیچکس را جز خدا یاری آنکه آن بلا را بگرداند نیست.»

نوزادی که متولد می‌شود در انتخاب پدر و مادرش نقشی ندارد و بی‌تقصیر است و چنانچه بد باشند او مقصر نیست، ولی مردم یک کشور لایق همان حاکمانی هستند که بر سرشان حکومت می‌کنند.

موردی که لازم به تذکر می‌باشد این است که منظور ما از گمراه بودن مردم ایران و یا متعصب بودن آنها و یا احمق بودن رجال سیاسی، همه مردم نیستند و کاملاً مشخص است که عده‌ای از روشنفکران و خردمندان دارای روحیه‌ای بدون تعصب و حق‌پذیر هستند و با سیاستهای دولت و همینطور خرافات رایج مخالف هستند که حساب ایشان از بقیه جداست و روی صحبت ما با این اشخاص نبوده است. اگر هم نسبت به مردم یا مراجع گمراه لحنی تند به کار برده ایم برای این است که تکانی بخورند و کمی به خود آیند، چون خرافات و گمراهی به حدی زیاد است که با مصلحت‌اندیشی و به کار بردن لحنی آرام کاری از پیش نمی‌رود و کسی به فکر اصلاح خود نمی‌افتد، بلکه باید بدون پرده و آشکارا سخن بگوئیم تا شاید عده‌ای از این خواب‌گران برخیزند و به قول حضرت علی علیه السلام که فرموده: حقیقت را با صریح‌ترین لهجه بگو.

بنابراین، چنانچه سخنی حق باشد می‌بایست صریحاً بیان گردد نه اینکه مبهم بماند و یا در زندان و خفقان سیاسی باشد و یا در پوشش و پرده‌های مصلحتی بیان گردد و چنانچه باطل باشد که اصلاً گفتن ندارد.

به امید اینکه ملت ما از چنگ خرافات و از دست سیاست‌های کثیف رها شوند.

پایان

بهار ۱۳۸۷ هجری شمسی